

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

روز جهانی کارگر، دست رد کارگران بر سینه رفسنجانی رانت خوار

صفحه ۲۰



پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگران

صفحه ۷

نگاهی کلی به جنبش کارگری در سال گذشته

در صفحه ۸

چکیده ای از زندگی کارل مارکس، پایه گذار سوسیالیسم علمی به مناسبت سالروز تولد وی

«... این نابغه انسان دوست در گورستان گیت لندن جاودانه آرمیده است؛ اما اندیشه او همچنان در اوج، نوید بخش پیروزی تاریخی انسان بر ستم، خرد بر جهل و کار بر سرمایه است. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد...»

در صفحه ۱۵

توسعه طلبی امپریالیسم و شیوه های آن

«... حمایت بوش به عنوان سردسته غارتگران از گسترش انقلاب مخملین از تریبون مُدورانش در گرجستان، هشدار به کسانی است که اعمال سیاست و گوناگونی آنرا فراموش کرده اند. ...»

در صفحه ۱۴

اطلاعیه کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران در باره گزارش دیدبان حقوق بشر

در صفحه ۱۸

چالشها و رویدادهای جنبش کارگران و مزدگیران (اردیبهشت ماه)

«...خانه دولتی کارگر و شوراهای اسلامی کار، ابزارهایی برای سرکوب جنبش کارگران و مزدگیران برای تحقق خواسته هایشان هستند. وجود این دو تشکل مانعی اساسی بر سر سازمانیابی کارگران و شکل گیری تشکلهای کارگری است...»

در صفحه ۵

روز کارگر در جهان

در صفحه ۱۱

جهان در آینه مرور

- پیروزی تونی بلر در خلاء الترناتیو
 - از کوبا تا مکزیک، جبهه آمریکای لاتین
 - چاوز در کوبا
 - مکزیک دورتر اما نزدیک
- صفحه ۱۲

مهدی سامع

تحریم به یک سیاست علنی و توده ای تبدیل شده است.

سرانجام روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ ولی فقیه نظام بر تردیدهایش غلبه کرد و با شرط و شروطی به هاشمی رفسنجانی چراغ سبز نشان داد. آیت الله خامنه ای با اشاره به اختلافات سیاسی و جناح بندیهایی که بر سر تصاحب پست تدارکچی نظام شکل گرفته گفت: «این اختلافات تا جایی که طبیعی باشد ایراد ندارد اما دشمن با استفاده از تشدید اختلافات، هدفی فراتر، یعنی ایجاد شکاف و دوگانگی درحاکمیت را دنبال می کند. پروژه دشمن این است که در راس نظام، دو فکر متعارض با هم درگیر شوند که البته عده ای هم در داخل در این جهت حرکت می کردند و فشارهای فراوانی به آقای خاتمی آوردند اما ایشان با تدین و عقل زیر بار این فشارها نرفت.» خامنه ای با کاربرد ترم «اختلافات طبیعی» که به خودی خود معلوم نیست حد و مرز آن چیست، به همه ی طرفهای درگیر در مجادله برای تصاحب کرسی ریاست بخشی از دستگاه اجرایی گوشزد کرده که «در راس نظام، دو فکر متعارض» را نمی پذیرد و هر کسی که کاندیدا شود باید سرسپرده ولی فقیه باشد.

بقیه در صفحه ۲

سر مقاله

تردیدهای رفسنجانی و چرا باید می آمد

«...بازی رفسنجانی میان باندهای حکومتی و طیفهای رنگارنگ آنها، او را تا کنون به مقام کدخدایی و پدرخواندگی برکشیده و از این رهگذر، به وی امکان داده در نقش مرجع میانجی و داور موقعیت سیاسی خویش را سازمان داده، آن را تحکیم و مصونیت بخشد...»

در صفحه ۳

شروع انتخابات یا نمایش کمدی

در صفحه ۴

زنان در مسیر رهایی

در صفحه ۱۶

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱
 خامنه ای که در صدد بود تا یک کوتوله سیاسی وابسته به دربارش را در این مسند بنشاند و نظام را کاملاً «پاسداریزه» و «یکدست» کند، اکنون که ناتوان از پیشبرد پروژه اش شده، با فرار به جلو به انکار هدفش می پردازد و می گوید: «اگر منظور از این اتهام، این است که نظام می خواهد همه کشور را به دست یک جناح بدهد، این کاملاً غلط است زیرا ما معتقدیم وجود دو جناح که به قانون اساسی وفا دارند و در مجموعه نظام کار می کنند، مانند دو بال، امکان پرواز و اوجگیری را برای نظام فراهم می سازد و باعث رقابت و پیشرفت می شود. اگر منظور دشمنان ما از اتهام یکدست کردن نظام این است که ما اجازه نخواهیم داد در کشور و در اصول نظام شکاف ایجاد شود، ما همین را دنبال می کنیم و مثل همه دنیا اجازه نخواهیم داد کسانی که به قانون اساسی معتقد نیستند و اصل نظام را قبول ندارند در راس نظام قرار گیرند.»

خامنه ای برای این که خودیها و به ویژه رفسنجانی بتواند در این نمایش انتخاباتی شرکت کند، با اشاره به این که خاتمی «با تدین و عقل زیر بار» تضعیف قدرت ولی فقیه نرفته خط سرخهای ولایتش را مشخص می کند. بلافاصله پس از حرفهای ولی فقیه، موقعیت «مصرف داروی تلخ» برای هاشمی رفسنجانی فراهم می شود.

روز سه شنبه ۲۰ اردیبهشت علی اکبر هاشمی رفسنجانی طی بیانیه ای برای حضور در نهمین دوره نمایش انتخابات اعلام آمادگی می کند. وی در بیانیه خود می گوید: «هرگز گمان نمی بردم شرایط چنان رقم خورد که در معرض آزمونی دوباره قرار گیرم.» و این که: «تصمیم به حضور در انتخابات ۲۷ خرداد یکی از سختترین تصمیماتم در سراسر سالهای فعالیت سیاسی من بوده است.» و «نمی خواستم گمان شود که نظام جمهوری اسلامی توان زایش خبیگان و مدیران تازه را ندارد.»
 در این جملات که با دقت تنظیم شده، رفسنجانی اقرار می کند که جمهوری اسلامی توان «زایش خبیگان و مدیران تازه را ندارد.» چرا که اگر چنین ظرفیتی در این نظام وجود می داشت، نه رفسنجانی مجبور به مصرف داروی تلخ می شد و نه خامنه ای مجبور به عقب نشینی از هدفش.

رفسنجانی در بیانیه خود به «گسترش تنشها و تنازعات زبانبار» و «بروز گرایشهای افراطی» در درون نظام می پردازد و به «شکل گیری فضای سردی که مردم را در وضعیت نگران کننده» قرار داده اشاره می کند. وی با یادآوری این که: «شرایط حساس منطقه ای و جهانی به گونه ای است که غلبه بر آن، نیازمند انسجام و عزم ملی برای تنش زدایی و جلب اعتماد بین المللی است.» و بالاخره رفسنجانی «شائبه زیر سوال رفتن کارآمدی نظام» را مهمترین پارامترهای به «صحنه انتخابات» آمدنش، البته با تاکید بر این که این آمدن «پاسخ متواضعانه به همه

دعوت کنندگان در گستره این سرزمین ثروتمند و تمدن ساز» است، اعلام می کند.
 البته تواضع رفسنجانی برای «گستره این سرزمین ثروتمند» در چپاول مردم هرچه بیشتر شریک شود و ایران را به نابودی بیشتر بکشاند برای همه قابل فهم است. اما نکته ای در بازی رزیلانه رفسنجانی با صراحت بیان نمی شود برنامه او برای «تنش زدایی و جلب اعتماد بین المللی» است. همه ی ناظران آگاه به مسائل رژیم ایران به این نکته اشاره می کنند که این تصمیم حاوی پیامی متفاوت از پیام ولی فقیه برای طرفهای خارجی است. این پیام به ویژه به یک بحران اروپایی تبدیل شده است.
 درست همان روزی که رفسنجانی

مردم ایران و جنبش آزادیخواهان آنان است که اکنون با اتخاذ سیاست تحریم گسترده نمایش انتخاباتی، نظام ولایت فقیه را به چالش کشیده است.

از روابط عمومی حزب مؤتلفه اسلامی اعلام کرد که، محمد نبی حبیبی در پایان نشست دبیران حزب مؤتلفه اسلامی، در مورد آخرین تحولات مربوط به رقابت کاندیداها و ورود هاشمی به صحنه رقابتها از لاریجانی به عنوان کاندیدای حمایت کرد. وی روز ۱۶ اردیبهشت گفته بود که: «صلاح دین و دنیای ما در معرفی یک نامزد است و اگر با دو کاندیدا نیز وارد انتخابات شویم آراء ما شکسته خواهد شد و این به ضرر ماست.»
 آیا این حمایت قاطع حزب مؤتلفه و شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی را باید به حساب حمایت «بیت رهبری» از لاریجانی گذاشت؟ اگر چنین است پس سر سختی سردار قالیباف که سعی می کند خود را خوش تیپ و خوش لباس نشان دهد، باید چگونه تفسیر کرد؟

سیاست تحریم اکنون به یک سیاست علنی و توده ای تبدیل شده و همه ی شیفتگان آزادی این سیاست را تقویت خواهند کرد.

روزنامه شرق در شماره روز یکشنبه ۴ اردیبهشت از قول محمد باقر قالیباف نوشت که: «بدون توجه به تصمیم شورای هماهنگی به مبارزات انتخاباتی خود ادامه خواهد داد.»

واقعیت این است که شکاف در دارودسته ولی فقیه یک واقعیت انکار ناپذیر است و این شکاف است که سبب آن شده که طرفداران ذوب در ولایت کاری کنند که به گفته محمد نبی حبیبی «صلاح دین و دنیا» ایشان در نظر گرفته نشود. چنین شکافی در

داروی تلخ را مصرف کرد، ثبت نام کاندیداهای این نمایش انتخاباتی آغاز و تا پایان وقت اداری روز شنبه ۲۴ اردیبهشت ادامه یافت.

این بخش از نمایش انتخاباتی بیشتر جنبه کمدی پیدا کرد و در مجموع ۹۲۱ تن مرد و ۸۹ تن زن ثبت نام کردند که از نگاه شورای نگهبان کلیه پرونده کلیه زنان ثبت نام شده بدون بررسی و فقط به خاطر زن بودن کنار گذاشته خواهد شد.

رسیدگی به صلاحیت داوطلبان از روز یکشنبه ۲۵ اردیبهشت آغاز شد و این

دوم خردادها که آنان نیز دو کاندیدا معرفی کرده اند نیز وجود دارد.

بنابراین اگر فرض را بر این بگذاریم که شورای نگهبان صلاحیت همه ی خودیها را تأیید می کند، و اگر هیچ یک از داوطلبان به سود دیگری کناره گیری نکنند، پس رقابت بین رفسنجانی با چهار کاندیدای دیگر مساله اصلی این نمایش انتخاباتی است.

اگر رفسنجانی نتواند در این رقابت سخت برنده شود، ولی فقیه نظام از دو جهت بازی را در مقابل حریف هفت خط خود برده است. زیرا از یک طرف رقابت بین خودیها را تأیید کرده و از طرف دیگر در این رقابت پوزنه رفسنجانی را به خاک مالیده است.

اما اگر رفسنجانی برنده این نمایش انتخاباتی شود، سوال اصلی که مطرح می شود این است که آیا وی پیام متفاوتی برای «تنش زدایی و جلب اعتماد بین المللی» دارد و یا وی نیز همچون سید محمد خاتمی تکرارکننده پیام ولی فقیه نظام در صحنه بین المللی است؟

واقعیت این است که میدان مانور رفسنجانی چندان گسترده نیست و پیام متفاوت او چیزی جز پیام تسلیم در مقابل فشارهای بین المللی نمی تواند باشد. هزینه این تسلیم هم چیزی جز برچیده شدن بساط ننگین حاکمیت استبدادی مذهبی نیست و بنابراین منطقی نیست که فکر کنیم او چنین پیامی به طرفهای خارجی ارسال کند.

رفسنجانی نمی تواند و نمی خواهد مبتکر برنامه و عملی که پایه های ولایت خامنه ای را سست کند باشد. هدف او کش دادن شرایط کنونی و بازی با چالشها و تنگناهای طرفهای خارجی است. او می خواهد در خاکریز وضع موجود وقت گذرانی کند تا طرفهای خارجی به خواست اصلی رژیم ایران یعنی «تضمین امنیت» تن دهند.

در این میان و مستقل از هر بازی درون حکومتی و بازی کل حکومت با طرفهای خارجی، مردم ایران و جنبش آزادیخواهان آنان است که اکنون با اتخاذ سیاست تحریم گسترده نمایش انتخاباتی، نظام ولایت فقیه را به چالش کشیده است.

اگر برای جمهوری اسلامی پیشبرد این نمایش انتخاباتی مهم است، برای مردم تحریم این نمایش اهمیت اساسی دارد. سیاست تحریم اکنون به یک سیاست علنی و توده ای تبدیل شده و همه ی شیفتگان آزادی این سیاست را تقویت خواهند کرد.

سرمقاله

تردیدهای رفسنجانی و چرا باید می آمد

منصور امان

شاگرد آیت الله خمینی، تصمیم گیری مهم سیاسی خود را همچون او پس از اعلام آتش بس در جنگ با عراق، "نوشیدن جام زهر- تلخ" توصیف کرده است. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، به همین گونه، نامزدی خود برای پُست ریاست جمهوری را "یکی از سخت ترین تصمیمها در سراسر سالهای فعالیت سیاسی" خود خواند. وصف حالی که آقای رفسنجانی از خود به دست داده را می توان باور داشت یا نداشت اما این نیز یک واقعیت است که به میدان آمدن آشکار نفر دوم جمهوری اسلامی در هیرارشی قدرت، زینهای معینی را نیز متوجه او می سازد. امری که به "تردیدها و نگرانیها"ی ابتدایی وی، پایه ای مادی می بخشد. برای رییس مجمع تشخیص مصلحت، مطلوبتر آن بود، یک "کوتوله سیاسی" که همزمان سوگلی چند حرم در میمن و یسار اتمسفر سیاسی "نظام" به شمار می رفت، بر این مسند نشسته، امور را سازگار با ذائقه ی خداوندگانش "تدارک" ببیند .

اما ژرفای دره ای که این بار بین محافل گوناگون باند ولایت کاویده شده است و فرآیند رویدادهای برآمده از این شکاف، حجت الاسلام رفسنجانی را بدانجا کشاند که اکنون ایستاده است: در کانون کشمکشها و در نقش سیبل هدف گیری. هیچکس بهتر از او به فواید و امتیازهای نهفته در حضور قدرتمند پُست پرده آگاه نیست و هیچکس بیشتر از آقای رفسنجانی از نتایج دلچسب و سودآور پدر خوانده گی، بهره نگرفته است. حتی آنگاه که او بالاترین مقام دیوانسالاری جمهوری اسلامی یعنی، ریاست جمهوری را در اختیار داشت، چندان به سبک کار خود وفادار ماند که بسیاری او را به "بی کفایتی" و "عدم توانایی در کنترل زبردستانش" متهم می کردند. حجت الاسلام اما بیشتر ترجیح می داد به این نشان خوانده شود تا مسوولیت آن بخش از سیاستها و اقدامات نه چندان پاکیزه دولت خود را به دوش بکشد. این رویکرد به آقای رفسنجانی اجازه می داد، در همان حال که با مدال "مُدیره" اهدایی از سوی دوستان اروپایی - آمریکایی خود ژست می گیرد، چاقوکشان و ششلول بندهای حجت الاسلام فلاحیان را به سراغ

مخالفان بفرستد. او می توانست با نشریاتی که به برکت "فضای باز" او به تازه گی منتشر می شدند، خُجره خود را رونق دهد و همزمان اتوبوس نویسندگان آنها را تا لبه پرتگاه براند. استقلال نمادین وزیر اطلاعات و معاون او سعید امامی، حاشیه خاکستری مورد نیاز برای نشو و نمای رییس آنها را فراهم می آورد. اگرچه اغراق بعدی آقای رفسنجانی در ویژه گی مصنوعی مزبور، در این میان به کدورت میان او و گمارده امنیتی اش راه برده اما آثار سودمند این سیاست حتی هم اکنون و زمانی که او ناکامی سیاست خارجی اش را با "عوامل مشکوک مُبم گذار" توضیح می دهد، امتداد می یابد. زاویه دیگری که ضرورت تحرک از

است. ناقوسهای هشدار دهنده به صدا درآمده اند و همواردان نامزد ریاست جمهوری، ورود آقازاده ها محسن و فائزه رفسنجانی به صحنه ی تصفیه حساب را در رسانه های چاپی، الکترونیکی و تریبونهای گوناگون اعلام می کنند. با توجه به ژرفا و پهنای اقتصاد جیفه ای حجت الاسلام، به خوبی می توان حدس زد که او اکنون تنها به نتایج سحر چشم دوخته و صبح دولت در فرمها و با تیتراهای متنوع، در راه است. تفاوت میان رویدادهایی که در انتخابات مجلس ششم وی را به لقب "آقا- سی" مشهور ساخت و آنچه که اینک چشم انداز آن در افق پدیدار گشته، تنها در جایگزینی "اصلاح طلبان تندرو" با

این فقط طنز سیاه نیست که "بهترین آترناتیو حکومت" (فیگارو، تایمز)، یکی از بی اعتبارترین سیاستمداران نزد جناح خود و افکار عمومی است. آرایش امروز سیاسی در جمهوری اسلامی، بیش از همه، نشانگر جایگاهی است که رژیم ملاملاها فردا خود را در آن خواهد یافت.

"محافظه کاران تند رو" است و این بار آنها هستند که پوزار عبور از خط قرمزهای رییس فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام به پا کرده اند. از این نظر، حجت الاسلام رفسنجانی میتواند به درستی ادعای قرار گرفتن خود در "میانه" را اثبات شده بیندارد. امتیاز دیگر پرده نشینی که آقای رفسنجانی با ورود به زمین بی در و پیکر کشاکشهای انتخاباتی از کف می دهد، به همین نقش برمی گردد. جایگاه فراجناحی و توازن بخشی که او برای خود قایل است، در فرآیند یک درگیری بر سر قدرت، به سختی حفظ پذیر است. بازی رفسنجانی میان باندهای حکومتی و طیفهای رنگارنگ آنها، او را تا کنون به مقام کدخدایی و پدرخواندگی برکشیده و از این رهگذر، به وی امکان داده در نقش مرجع میانجی و داور موقعیت سیاسی خویش را سازمان داده، آن را تحکیم و مصنوعیت بخشد. خیز باند ولایت به سوی تصرف قوه مجریه و تکمیل حلقه ای که با چنگ اندازی به مجلس هفتم ترسیم نموده، جای هرگونه خوش بینی نسبت به حفظ همچنان موقعیت مزبور را از میان برده است .

برخلاف دوره های پیشین، تحرک آقای رفسنجانی برای ورود به کاخ ریاست جمهوری، یک راهپیمایی ساده نیست و او ناچار خواهد بود، دعوت همواردان به رقابت را بپذیرد. امری که به شتاب وی را به یک چهره ی متعارف در میان دیگر صورتکهای جویای قدرت تبدیل می کند. حمله غیرمعمول نامزد ریاست جمهوری به "گرایشهای افراطی که زحمات مدیران نظام را نادیده می گیرند"، "نقصها را بزرگ می کنند"، "دامان خود را پاک جلوه داده و چهره نظام را می آلودند"، نشان از احساس خطر او و جدی گرفتن رقابت در پیش دارد. رویارویی آغاز شده، تنها ریسک پیش بینی ناپذیر نتایج آن بر موقعیت عمومی رفسنجانی را به همراه ندارد بلکه، به تقویت و استقلال بیشتر گرایشات مخالف وی نیز می انجامد. یک پیامد ناگزیر چنین سناریویی، در مرتبه ی نخست، ازهم پاشیده شدن باند ولایت، ایجاد صف بندیهای جدید در درون و بیرون آن و گشوده شدن مرزهای راست و چپ جناح مزبور به همه سو است. ناگفته پیداست تاثیر این شکاف بر دایره توانایی و اختیار دولت آتی چه خواهد بود.

با این وجود، حجت الاسلام رفسنجانی، یک شریک دایمی قدرت از هنگام شکل گیری رژیم ملاملاها، ناچار است شکایت کنان تن به این مصاف بدهد. قدرت سیاسی - انحصاری گرایشهای تند رو باند ولایت، او و بورژوازی نوکیسه جمهوری اسلامی را که بند ناف آن به مواهب برآمده از قدرت سیاسی گره خورده است، از راس هرم تولید ثروت به زیر خواهد کشید. تجدید حیات شعارهای پوپولیستی لُمین پرولتاریا را اینان از جمله با اقدامات مجلس هفتم در طرح تثبیت قیمتها یا حذف ماده ۳ برنامه چهارم توسعه که خصوصی کردن شرکت نفت را هدف گرفته بود، شاهد هستند. مانورهایی که لعاب "عدالت گرایانه" آن، به دشواری می

بقیه در صفحه ۴

تردیدهای رفسنجانی و چرا باید می آمد

بقیه از صفحه ۳

تواند گوهره ی تلاش انحصار طلبانه بوروکراتهای نظامی، بازاری و روحانی آماس کرده از رانتهای حکومتی را برای به دست گرفتن گنجایش انحصاری بازار، پنهان سازد. "حکومت یکپارچه" یا "دولت کریمه" ای که آنها در پی آن هستند، بُنگاهی است که مرکز اصلی منابع مالی یعنی، دولت را به گونه یکجانبه به خدمت گرفته و آن را از طریق قبضه ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و بهره گیری از منابع ارزان آن، در مسیر حذف رقبای اقتصادی خود مانند بورژوازی سوداگر صنعتی و سرمایه داری مدرن (عصر جهانی سازی) به کار می اندازد. سر برون آوردن اقتصادهای زیرزمینی و نیمه دولتی از سیاه چاله های قاچاق، پولشویی و بودجه های مخفی، بلوغ کودک عقب مانده ای است که بیشتر از همه، در دامان پُر مهر بورژوازی دولتی انگل و رانت خوار و آقای رفسنجانی و شرکا پرورش یافته است. از سوی دیگر، آنچه که بورژوازی نوپای جمهوری اسلامی کمتر از هر مصیبت دیگری بدان نیاز دارد، قدرت یابی یک جریان راست افراطی است که بی نیازی خود به مناسبات قانونمند شده ی جهانی را پیشاپیش جار زده باشد. پیام یکپارچه شدن قدرت توسط باند مزبور، چیزی کمتر از فقدان امنیت سرمایه، موانع اقتصادی، حذف رقابت و تشتهای خارجی نیست.

آقای رفسنجانی یکبار در گذشته و با جلوگیری از نشاندن شدن حجت السلام ناطق نوری، نامزد باند ولایت بر مسند ریاست جمهوری و هموار کردن راه حجت الاسلام خاتمی، به رویارویی با این کابوس رفته است. این بار و در شرایطی که نزد باند رقیب، پرونده "اصلاح طلبان" تا برگ آخرین خوانده شده و نزد مردم، آنها بضاعت "نظام" در این پهت را تا قطره ی آخر سر کشیده اند، او ناچار است تمام وزن خویش را به میدان بیافکند. اکنون نوبت "دوم خرداد" است که لحظه را دریابد و رفسنجانی می تواند اطمینان داشته باشد که نگرانی طبقه - گویا - متوسط آقای نبوی، کمتر از مال او نیست.

این فقط طنز سیاه نیست که "بهترین آلترناتیو حکومت" (فیگارو، تایمز)، یکی از بی اعتبارترین سیاستمداران نزد جناح خود و افکار عمومی است. آرایش امروز سیاسی در جمهوری اسلامی، بیش از همه، نشانگر جایگاهی است که رژیم ملاحا فردا خود را در آن خواهد یافت.

شروع انتخابات یا نمایش کمدی؟

جعفر پویه

پرده اول نمایش مضحکه انتخابات رییس جمهوری کلید خورد. کاندیداهایی که پس از یک دوره پیش پرده خوانی وارد گود شده اند، بیش از آن رسوا هستند که نیاز به بازگویی داشته باشد. وعده های سرخرمن و زیاده گویی در موقع تبلیغ، نشان از درمانده گی آنان برای گرم کردن تنور خاموش انتخابات دارد.

اما در روزهای ثبت نام کاندیداها، جریان به شکلی پیش می رود که کمدی انتخابات را به مضحکه بیشتر شبیه کرده است. درخواست ثبت نام امام زمان در روز اول رد شد و او تهدید کرد که از همین امروز قیام خواهد کرد. این شخص که با شناسنامه ای با نام مهدی موعود و نام پدر حسن عسگری درخواست ثبت نام داشت، به خبرنگاران حالی کرد که در این رقابت دیگران چیزی از او بیشتر ندارند زیرا وقتی مهدی کروی از پایوران بنام رژیم به مردم وعده می دهد که هر ماه به هر نفر پنجاه هزار تون پرداخت خواهد کرد، کسی به عقل او شک نمی کند! اما امام زمانی که به گفته آیت الله مشگینی، لیست نمایندگان را تهیه می کند، از در

رانده می شود.

در روزهای ثبت نام، بیش از اینکه به جدیت این انتخابات پرداخته شود، بیشتر به نمایش کمدی ای پرداخته می شود که در سالن وزارت کشور جریان دارد. کسانی که وارد محل ثبت نام می شوند، از دست فروش دوره گرد تا لوطی شاپو به سر سرگذر، بیشتر به قصد تفریح و سُخره گرفتن اعمال پادوهای ولایت فقیه آنها را دست می اندازند. وقتی محسن رضایی

دانشگاه ندیده خود را "دکتر" می خواند و احمدی نژاد قاتل و عضو تیم ترور، به شهرداری تهران گمارده می شود، چرا کارگری بازنشسته با عنوان "پرفسور" خود را کاندیدا نکند؟ حمل دوهزار سکه از جانب دیگر کاندیدا و یا نمایش تسبیحهای دانه درشت فروشنده دوره گرد دیگری که قصد رییس جمهور شدن دارد، همانند قیافه از شکل افتاده رفسنجانی نیست ولی همه آنها آماده بازی در یک نمایش کمدی - درام هستند.

با این همه، حضور پر تعداد زنان و دختران از دانشجوی گرفته تا خانه دار در سالن ثبت نام، نشان از سیر حوادث به شیوه دیگری دارد. این زنان همگی می دانند که رژیم زن ستیز ولایت فقیه کوچکترین حقی برای آنان قایل نیست اما با حضور در حوزه های ثبت نام و ظاهر شدن در برابر دوربین خبرنگاران خارجی نشان می دهند که نیمی از مردم ایران که زن هستند، از حق انتخاب شدن محروم اند. هرچند اشرف بیات و چند نفر دیگر از زنان وابسته به حکومت نیز خود را کاندید کردند ولی در مجموع، این عمل نوعی دهن کجی به رژیم مردسالار ولایت فقیه است.

انتخاباتی که شروع اینگونه باشد از هم اکنون می توان حدس زد که چه پایانی در انتظار آن است.

۲۳ اردیبهشت ۸۴

شاخ و شانه اتمی، هر بار سرافکنده تر از پیش

لیلا جدیدی

تلاشهای جمهوری ملاحا برای گرفتن ماهی از آب گل آلود و بویناک انتخابات، تاکنون و دستکم در زمینه ی فعالیتهای هسته ای بی نتیجه مانده است. ملاحا که خیال می کردند، وضع آشفته انتخابات فرصت مناسبی برای یکه تازی اتمی ایجاد کرده و همزمان می توانند به

آلمان، در نامه تهدید آمیزی خطاب به حکومت خامنه ای گفتند: "این اقدام دو سال مذاکره را به پایان رسانده و عواقب ناگواری در بر خواهد داشت." این واکنش و تحت فشار قرار دادن رژیم از جانب اروپاییها، حاکی از این امر است که بوش به نتیجه مطلوب خود رسیده و فرصت مذاکرات به سر آمده و اینک اروپا باید به قولش وفا کرده تهدید شورای امنیت را بر سر رژیم بکوبد. از همین روست که سر چند انگشت بالا آمده از آب ملاحا آنچنان به جنبش درآمد که ناچار به اعماق بازگشت. روزنامه واشنگتن پست روز جمعه ۱۳ مه از علایمی



طرفداران خود برای بازار انتخابات دلگرمی دهند، با فرستادن نامه ای به آژانس انرژی اتمی، به ایجاد جنجال از سر گیری غنی سازی پرداختند. برخی از کاندیداهای انتخابات فرمایشی مانند رفسنجانی نیز در گذاشتن پای خود در دهان عجله کرده و ادامه غنی سازی را مترادف "حاکمیت ملی" معرفی کردند. اما پیش از آنکه مُهر آن نامه کذایی باز شود، آقای تونی بلر، یار پیشینه دار ملاحا اما کودک سر بزیر آمریکا، اعلام کرد که بریتانیا از تصمیم آمریکا برای فرستادن پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت حمایت می کند. همچنین، سه کشور اروپایی، انگلیس، فرانسه و

گزارش داد که حاکی از خواست جمهوری اسلامی به عقب نشینی و ادامه مذاکرات است، هر چند که زمینه مشترکی برای آن باقی نمانده. طرفهای رژیم، شروع فعالیت هسته ای را غیر قابل پذیرش خوانده اند. ژتونهای قمار رژیم باطل شده اند و هنوز ملاحا خیال برنده شدن را در سر می پروراند و یا تلاش می کند آبروی رفته را در برابر مریدان خود حفظ کنند و نمایش شاخ و شانه کشیدن بدهند. این بار هم یک سر افکنده گی دیگر به انتظار آنها نشسته است.

چالشها و رویدادهای کارگران و مزد گیران (اردیبهشت ۸۴)

زینت میرهاشمی

است. در نشستهای بین نمایندگان این سازمان و رژیم ایران، کسانی که شرکت می کنند فریبکارانه خود را نماینده کارگران و یا سندیکاها معرفی می کنند. در حالی که در داخل ایران فعالیت سندیکایی و حق تشکل غیر از شوراهای اسلامی کار ممنوع است. در اصل ۸۷ منشور سازمان جهانی کار آمده است «هر کارگری حق دارد که برای دفاع از منافع خویش با دیگران تشکلهای خود را به وجود آورد.»

علیرغم این، وزارت کار روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت، هیأت موسس احیای سندیکاهای کارگری را غیر قانونی اعلام کرد. تعدادی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، برای ایجاد تشکل مستقل خود دست به ایجاد هیات موسس احیای سندیکاهای شرکت واحد زده اند. در حالی که تعداد زیادی از کارگران این شرکت عضو این هیات موسس هستند، وزارت کار آن را غیر قانونی اعلام کرد. دلیل ارائه شده از طرف وزارت کار، وجود تشکلهای شوراهای اسلامی کار در این واحد و این که کارگران نمی توانند بیشتر از یک تشکل داشته باشند. با وجود شوراهای اسلامی و امتیازهای دولتی که پشتیبان عوامل قدرت در این نهادهای فرمایشی است، وزارت کار رژیم با این اقدام اخیر، قصد دارد تشکل یابی مستقل کارگران را تبدیل به رویا ساخته و آن را در نقطه خفه کار منافعشان در جناحهای موجود در قدرت چنان تنیده است که منافع حفظ نظام را بر منافع کارگران ترجیح می دهد.

به دنبال غیر قانونی شناخته شدن هیات موسس سندیکاهای شرکت واحد اتوبوسرانی از طرف وزارت کار، کارگزاران خانه دولتی کارگر، در برابر فعالان سندیکایی خط و نشان کشیدند. علی اکبر عیوضی دبیر اجرایی خانه کارگر شرق تهران، روز سه شنبه ۱۳ اردیبهشت، سندیکای کارگران شرکت واحد را غیر قانونی و اعضای آن را به «فعالیت گروهکی» و علیه «نظام» متهم کرد.

غیر قانونی اعلام شدن فعالیت هیأت موسس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، فرصتی به فالانترهای وابسته به خانه دولتی کارگر و شوراهای اسلامی کار برای سرکوب کارگران داد. تهدیدهای مسئولان خانه کارگر و اعضای «شوراهای اسلامی کار» علیه فعالان سندیکایی شرکت اتوبوسرانی زمینه های چنین سرکوبی را از قبل نشان می داد. مسئولان خانه کارگر که از اعتراض کارگران در روز اول ماه مه در ورزشگاه آزادی دلخور و زخمی شده هستند با سازماندهی

بقیه در صفحه ۶

اعضای قدیمی صنف کفاشان - با سابقه فعالیت ۶۰ ساله خود با اشاره به کاهش هر روزه حقوق کاری گفت: «صوبات مجلس در زمینه حذف مقررات کار و وجود کارگران قراردادی، نشانگر وجود آیندهای تاریک است.» همین منبع به نقل از یکی از اعضای اصلی سندیکای شرکت واحد بیان کرد



که صبح روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت نزدیک به هزار نفر از کارگران عضو سندیکای شرکت واحد به وزارت کار و امور اجتماعی مراجعه و با کریمی - معاون وزیر کار - دیدار و گفتگو کرده و از سوی معاون وزیر کار قول مساعد ادامه مذاکرات با سندیکا را گرفته اند.

رویداد روز کارگر، ابعادی گسترده یافت طوری که مسئولان خانه کارگر مجبور به اعتراف به بی آبرویی خود در رسانه های کشور شدند. حسن حمزه ای دبیر اجرایی خانه کارگر غرب تهران اعلام کرد که به زودی «تشکیلات خانه کارگر با برنامه ریزی مناسب در تجمع جدیدی نسبت به حرکت گروهک مذکور پاسخ خواهد داد.» وی با تاکید بر این که «خانه کارگر» هیچگاه شعار علیه دولت و مسئولان کشور نمی دهد گفت که «با وجود آن که رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در سخنرانی خود از کارگران خواست که شعارهای انحرافی را همراهی نکنند، جمعیت حاضر در ورزشگاه ناآگاهانه با تصور این که شعارهای خانه کارگر را همراهی می کنند، گروهک مذکور را همراهی می کردند.»

یک روز بعد از این رویداد مهم، در روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت، وزارت کار، هیأت موسس احیای سندیکاهای کارگری را غیر قانونی اعلام کرد. این امر در حالی صورت گرفت که، دولت ایران در رابطه با سازمان بین المللی کار به تغییر تشکلهای موجود که وابسته به حکومت هستند و به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری تعهد داده

خانه دولتی کارگر که می خواست از این فرصت طلایی برای هاشمی رفسنجانی استفاده کند، با اعتراض شدید کارگران در سالن روبرو شد. هنگام خواندن قطعنامه بسیاری از کارگران سالن را ترک کرده و باقی مانده با شعارهای علیه رژیم و خانه کارگر جلسه را بر هم زدند. در قسمتی از



سالن که پلاکاردی بزرگ در حمایت از رفسنجانی نصب شده بود کسی حضور نداشت. در اثر اعتراض گسترده و شعارهای کارگران، رفسنجانی که سخنران این مراسم از طرف خانه کارگر بود فرار را بر قرار ترجیح داده و از ترس بر هوا رفتن عمده اش در مراسم حضور نیافت و از نیمه راه بازگشت.

روز ۱۱ اردیبهشت روز اعتراض قاطع کارگران به نظام و نهادهای سرسپرده آن مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار بود.

یکی از شعارهای کارگران در ورزشگاه آزادی، «رفراندم، رفراندم، این است شعار مردم»، «مجلس خیانت می کند، رهبر حمایت می کند» بود. مسئولان خانه کارگر خشمگین از بی آبرویی در برابر اعتراض گسترده کارگران، از همان روز، تهدید خود را علیه این جنبش و فعالان آن آغاز کردند.

علیرغم حضور نیروهای انتظامی در مسیر راهپیمایی کارگران برای ورود به ورزشگاه، همزمان در بیرون از محوطه میدان آزادی و در محلهای متفاوت راهپیماییهایی از طرف کارگران برگزار شد.

نشستی با حضور بیش از ۲۰۰ نفر اعضای سندیکاهای مختلف در سالن باختر با شعار «خواستار تسریع در تغییرات جدی فصل ششم قانون کار به منظور تامین آزادیهای سندیکایی، اتحادیه ای هستیم» برگزار شد.

به گزارش ایسنا ۱۲ اردیبهشت، در این مراسم که کارگران بارها از سندیکا سخن راندند، یعقوب مهدیون - از

با گذشت ۱۰۰ سال از تاریخ فعالیت سندیکایی در جنبش کارگری ایران، بار دیگر تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری بر تارک فعالیتها و اعتراضهای جنبش کارگران و مزد گیران قرار می گیرد. اولین اتحادیه های کارگران چاپ در ایران در سال ۱۲۸۴ تاسیس شد.

حکومت استبدادی جمهوری اسلامی با تغییر قانون کار، سندیکاها را از این قانون حذف و شوراهای اسلامی را جایگزین آن نمود. بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی، «کارگران یک واحد می توانند جهت دفاع از منافع مشروع و حفظ حقوق قانونی خود، یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی و یا نمایندگان کارگران را داشته و هیچ یک از نهادهای سه گانه نمی توانند به طور همزمان در یک واحد تولیدی فعالیت داشته باشند.»

۱۱ اردیبهشت ۸۴ مصادف با صدمین سالگرد فعالیت سندیکایی در جنبش کارگری ایران است. کارگران ایران در روز کارگر صدمین سال آن را گرامی داشتند.

در اردیبهشت ماه همزمان با روز کارگر، رویدادهای مهمی در جنبش کارگران و مزد گیران در ایران اتفاق افتاد. این رویدادها از جنبه کیفیت و سازمان یابی جایگاه ویژه ای در این جنبش خواهد داشت.

با تصویب تعیین حداقل دستمزد در سطح بسیار ناچیزی در شورای عالی کار، زرمه های اعتراضهای کارگری شکل گسترده ای یافت. کارگران و مزد گیران روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) این روز را فرصتی برای اعتراض به این دستمزد، و بیان مطالبات شان تبدیل کردند.

به کارگران اجازه برگزاری تظاهرات در فضای باز و در مرکز شهر داده نشد. خانه دولتی کارگر با استفاده از فرصت و نزدیک بودن به انتخابات نمایشی رئیس جمهوری، با قصد تبدیل میتینگ روز کارگر به میتینگ تبلیغاتی کاندیدا توری رفسنجانی و حمایت از محجوب، روز کارگر را در سالن سرپوشیده ۱۲ هزار نفری آزادی برگزار کرد. بند آخر قطعنامه خانه کارگر حمایت از هاشمی رفسنجانی برای ریاست جمهوری بود. این نهاد زرد کارگری، از برگزاری این میتینگ دو هدف داشت. یک استفاده به نفع رفسنجانی و دوم حبس کارگران در سالن سرپوشیده که صدای اعتراض آنها را کسی نشنود.

اما سیر حوادث در این روز بر اقبال محجوب خوش نیفتاد و این سرسپرده نظام از حول حلیم افتاد توی دیگ.

چالشها و رویدادهای جنبش کارگران

بقیه از صفحه ۵

باندهای فالانژی روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت به دفتر «هیات موسس احیا سندیکاهاى کارگری اتوبوسرانی» هجوم برده و با ویران کردن وسایل این دفتر، یکی از اعضای آن به نام منصور اسانلو را مورد ضرب و شتم قرار دادند. مزدوران با ضربت چاقو گردن و زبان این کارگر را زخمی نمودند. تشکیلات مرکزی خانه کارگر در اطلاعیه ای به تاریخ چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت هیات موسس سندیکایی شرکت واحد را معاند، کمونیست، ضد انقلاب و وابسته به گروههای سیاسی دانست.

هیات موسس سندیکاهاى کارگری بعد از این حادثه طی اطلاعیه ای از همه سازمانهای سندیکای کارگری جهان و از سازمان بین المللی کار خواستار دفاع از مطالبات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از جمله حق آزادی برپایی تشکیلات سندیکایی شان شد.

در پی این فراخوان تشکل های کارگری و بین المللی این اقدام سرکوب گرانه رژیم و دستگیری و ضرب و شتم کارگران ایران را محکوم و از خواسته ای آنان دفاع کردند.

کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری در اعتراض به به ضرب و شتم کارگران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی اطلاعیه ای صادر کرد. در اطلاعیه این کنفدراسیون آمده است که «حسین صادقی رئیس هیات مدیره شوراهای اسلامی کار کشور از پشت دستان آقای اسانلو را قفل می کند تا ضارب کار خو را انجام دهد. منصور اسانلو پس از این حادثه به بیمارستان انتقال یافت تا جراحات زبان و گردنش را بخیه بزنند.» بر اساس گزارشهای منعکس شده در رسانه های رژیم هنگام ضرب و شتم کارگران، نیروهای انتظامی حضور داشته اند و هیچگونه دخالتی در جلوگیری از این امر نمودند. حسین صادقی روز بعد از حادثه در برابر دوربین های رسانه ها این امر را حاشا کرده و می گوید در روز حادثه در تهران نبوده است.

جمهوری اسلامی به دنبال اوج گیری اعتراضهای کارگری بر سر افزایش دستمزد و درخواست ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، فشار را بر فعالان جنبش کارگری را افزایش داده و تعدادی از آنان را دستگیر و یکی از

کارگران شرکت ایران خودرو را ربوده است.

بر اساس گزارش کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری، صادق امیری از فعالان کارگری روز پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت توسط سه تن از ماموران وزارت اطلاعات دستگیر و به محل نامعلومی برده شده است.

پرویز سالاروند از کارگران معترض ایران خودرو توسط «حراست کارخانه» در روز ۲۳ فروردین ربوده شده است. رژیم بعد از بیست و پنج روز در برابر اعتراض کارگران کارخانه ایران خودرو در قبال ناپدید شدن همکار خود، به دستگیری وی اعتراف کرد. وی در زندان اوین و زیر فشار قرار دارد. خانواده وی هیچگونه اطلاعی از وضعیت وی ندارند.

یک روز قبل از اول ماه مه (روز کارگر)، نیروهای سرکوب رژیم، سه نفر از فعالان کارگری شهر بوکان، اسماعیل خودکام (از دستگیرشدگان اول ماه مه سال گذشته در سفر)، مسعود رحمانی و جلیل ویسی را دستگیر کردند و مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند. این دستگیرشدگان در اثر اعتراض فعالان کارگری شهرهای بوکان و سفر شبانه آزاد شدند.

خانه دولتی کارگر و شوراهای اسلامی کار، ابزارهایی برای سرکوب جنبش کارگران و مزدبگیران برای تحقق خواسته هایشان هستند. وجود این دو تشکل مانعی اساسی بر سر سازمانیابی کارگران و شکل گیری تشکلهای کارگری است. رژیم استبداد حاکم حامی سرمایه داران با حمایت از این تشکلهای دولتی سعی می کند کارگران را در مقابل هم قرار داده و کارگران فعال را مورد سرکوب قرار دهد. رژیمی که کشتار کارگران شهر بابک را در پرونده خود دارد، از سازمانیابی کارگران وحشت دارد. چالش جنبش کارگران و مزدبگیران بر سر افزایش دستمزد و ایجاد تشکلهای مستقل کارگری وارد عرصه های حادثی خواهد شد.

در ماهی که گذشت شاهد چندین حرکت اعتراضی از جمله تحصن، تجمع و دست کشیدن از کار توسط کارگران بودیم. این جنبشهای اعتراضی بر محور مطالبه حقوقهای عقب افتاده، اخراج، بیکاری، برخوردار نبودن از بیمه بیکاری، دستمزد و تشکل صورت گرفته است.

در زیر به بخشی از مهمترین و گسترده ترین این گونه اعتراضها اشاره می شود.

کارگران شرکت سالمین تولید کننده مواد غذایی در شهر ساوه به مدت سه

روز از ۲۹ تا ۳۱ فروردین تحصن کردند. کارگران این واحد تولیدی به جابه جایی و تبدیل قراردادهايشان به قراردادهای موقت و کاهش نیرو اعتراض داشتند. این کارگران متحصن که تعدادشان بنا به خبرگزاری ایرنا پنجشنبه اول اردیبهشت به ۳۰۰ نفر می رسید بعد از مذاکره و گرفتن تعهدهایی از کارفرمای شرکت سالمین به سر کار خود بازگشتند.

کارگران پتروشیمی آبادان به بازنشستگی اجباری خود اعتراض کردند.

معلمان رسمی آموزش و پرورش از روز شنبه ۱۰ اردیبهشت تا روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت همزمان به روز معلم در برابر مجلس دست به تحصن زدند. این معلمان به عدم اجرای طرح نظام هماهنگ اعتراض داشتند.

کارگران شرکت «ناز نخ» واقع در شهر قزوین برای چندمین بار دست به اعتراض زدند. این کارگران روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت جاده اصلی قزوین را بستند. این واحد تولیدی به مدت ۱۰ سال است که به بخش خصوصی واگذار شده و کارکنان آن از ۱۲۰۰ نفر به ۴۰۰ نفر کاهش پیدا کرده اند. کارگران به مدت ۱۶ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند.

خبرگزاری ایرنا ۱۴ اردیبهشت نوشت: «عه ای کارگران شرکت ناز نخ از فقر جسمی و ناتوانی مفرط در بیمارستانها و در بخش سی سی یو بیمارستان به سر می برند.»

کارگران کارخانه «شاهو» در شهر سندر جمع ۱۶ اردیبهشت دست به تحصن زدند. این کارگران به بسته شدن کارخانه، بلاتکلیفی خود و عدم پرداخت حقوقشان به مدت ۴ ماه اعتراض دارند.

کارگران شرکت بهمن پلاستیک واقع در تهران، روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت در برابر ساختمان وزارت کار و تامین اجتماعی تجمع اعتراض آمیز کردند. این کارگران به مدت ۱۰ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند. کارگران اعلام کردند که در صورت عدم رسیدگی به تجمع و اعتصابات گسترده تری دست خواهند زد. خبرگزاری ایرنا ۱۲ اردیبهشت تعداد کارگران اعتراض کننده را ۸۰ نفر اعلام کرده است.

کارگران شرکت «سد سمیره» در شهرستان دره شهر، تحصن اعتراضی خود را از روز جمعه ۱۶ اردیبهشت آغاز کردند. این کارگران بیش از ۶ ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند. خبرگزاری ایرنا ۱۶ اردیبهشت تعداد کارگران متحصن را ۷۰۰ نفر اعلام کرد.

کارگران شرکت «پروفیل پارس» در غرب تهران، روز چهارشنبه ۲۱ اردیبهشت در مقابل این شرکت تجمع نمودند. خبرگزاری ایرنا که تعداد کارگران معترض را ۱۵۰ نفر اعلام کرد اعتراض کارگران را به قطع پرداخت کمکهای غیر نقدیشان بیان کرد.

کارگران شهرداری گرگان روز شنبه ۱۷ اردیبهشت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق عقب افتاده شان در برابر شورای شهر و شهرداری گرگان تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند.

کارگران شرکت نگین کار در شیراز روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت در اعتراض به تعطیلی کارخانه و بیکار شدنشان در برابر این شرکت تجمع کردند.

کارکنان دادگستری روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مزایای کاری در مقابل وزارت دادگستری تجمع نمودند. خبرگزاری ایسنا ۱۹ اردیبهشت تعداد کارگران متحصن در این روز را ۱۵۰ نفر اعلام کرد.

کارگران اخراجی «تور ماهیگیری» در شهر زاهدان، روز شنبه ۲۴ اردیبهشت در برابر خانه کارگر این استان تجمع نمودند. کارگران خواستار دریافت بیمه بیکاری بودند.

کارگران چیت سازی بهشهر روز دوشنبه ۲۶ اردیبهشت در مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند. خبرگزاری ایرنا ۲۶ اردیبهشت تعداد این کارگران را ۱۲۰ نفر اعلام کرد. به دنبال تعطیلی این واحد تولیدی، کارگران به سال است که مطالباتشان را دریافت نکرده اند.

کارگران شرکت مجتمع دخانیات گیلان، برای تحقق مطالباتشان، روز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت دست از کار کشیده و دستگاههای تولیدی را خاموش کردند.

کارگران واحدهای صنفي در استان گلستان، روز جمعه ۳۰ اردیبهشت، در اعتراض به عدم دریافت حقوقشان به مدت چند ماه، تجمع نمودند.

کارگران آب و فاضلاب خرمشهر بعد از ۴ روز اعتصاب روز چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت با دریافت بخشی از خواسته هایشان به اعتصاب خود پایان دادند.

برآیند تحولات و رویدادهای پیش آمده در اردیبهشت ماه، گسترده تر شدن اعتراضهای کارگری و چالش با تشکل های دولتی ماند خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار بر سر تشکل را در پی خواهد داشت.

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگران

اول ماه مه، روز جهانی کارگران را به کارگران و مزدبگیران، به فعالان جنبش کارگری و سندیکایی در سراسر جهان و به زنان و مردانی که برای تحقق صلح، آزادی و عدالت و لغو تمامی انواع ستم، استثمار و استبداد و برای نجات از جهل، فقر، فحشاء، بی خانمانی و عقب ماندگی مبارزه می کنند شادباش می گوئیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در استانه اول ماه مه به همه ی کارگرانی که در زندانهای رژیم ولایت فقیه مقاومت می کنند، درود می فرستد و همبستگی خود را با جنبش کارگران، معلمان، پرستاران و همه ی مزدبگیران ایران اعلام می کند. ما محاکمه فعالان جنبش کارگری در سقر را که در اول ماه مه سال گذشته دستگیر شدند را محکوم کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی می باشیم.

کارگران و مزدبگیران از یک طرف تحت ستم و سرکوب نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه قرار دارند و از طرف دیگر باید هزینه سیاستهای رژیم برای پیوستن به اردوی جهانی سازی نئولیبرال را بپردازند. اخراجهای دسته جمعی کارگران، خروج کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار، تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران و پائین آمدن هر ساله قدرت خرید کارگران و مزدبگیران ایران از جمله دستاوردهای رژیم ایران برای کارگران است.

در سال گذشته وضعیت وخامت بار کارگران و مزدبگیران ایران، ابعاد فاجعه باری پیدا کرد. اما کارگران، معلمان، پرستاران ایران در مقابل اوضاع فلاکتبار خود به اشکال مختلف دست به مقاومت و مبارزه زدند.

اعتصاب کارگران معدن زغال سنگ البرز غربی واحد سنگرود، با ۸۰۰ کارگر، از روز ۲ بهمن ۱۳۸۳ آغاز شد و به چند هفته ادامه پیدا کرد.

در اوایل بهمن سال گذشته کارگران شاغل در کارخانه کاشی حافظ در شیراز، به حمایت از همکاران اخراجی خود، دست از کار کشیده اند. در پی پیوستن و حمایت کارگران شاغل و ازدحام کارگران اخراجی در محوطه کارخانه، بیست دستگاه اتومبیل حامل نیروهای ضد شورش و سرکوبگر از نیروهای یگانهای ویژه سرکوب شهر شیراز به محل کارخانه برای سرکوب کارگران اعزام شدند.

در اوایل اسفند سال گذشته بیش از ۵۰۰ تن از کارگران صنایع پوشش رشت به دلیل عدم دریافت ۴ ماه حقوق، جاده اصلی رشت به بندر انزلی را مسدود کردند.

در ۲۰ فروردین امسال ۴ هزار تن از کارگران کارخانجات «کشت و صنعت شهید بهشتی و شهید رجایی» دست به تحصن اعتراضی زدند که بیش از یک هفته ادامه پیدا کرد.

موارد بالا چند نمونه از صدها حرکت کارگری بود که از اول ماه مه سال گذشته تا اول ماه مه امسال صورت گرفت. به این نمونه ها می توان جمعهای اعتراضی معلمان در سراسر کشور در مهر ماه سال ۱۳۸۳ و تجمع و تحصن معلمان زن حق التدریسی در ۲۴ فروردین امسال و اعتصابهای متعدد پرستاران در طول سال گذشته را اضافه کرد.

حرکتهای کارگری در سال گذشته آن چنان وسیع و گسترده بود که بعضی از آنها در رسانه های بین المللی انعکاس پیدا کرد.

حرکتهای کارگری در سال گذشته به شکلهای گوناگون صورت گرفت. نامه نگاری به گردانندگان رژیم، تجمع اعتراضی، اعتصاب، تحصن، بستن جاده ها، راه پیمایی و ... شیوه هایی بود که کارگران در مبارزه خود از آن استفاده کردند. نیروهای سرکوبگر رژیم گرچه در مقابل حرکتهای کارگری با احتیاط برخورد می کردند، اما در حرکتهای که جنبش کارگری گامهایی بزرگ به جلو بر می داشت با سرکوب دد منشا نه رژیم مواجه می شد. اما این سرکوبگری در عزم کارگران برای تحقق خواسته های بر حق خود خللی ایجاد نکرد و بر عکس منجر به همبستگی هرچه بیشتر کارگران شد.

در اواسط اسفند ماه سال گذشته از طرف «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران» بیانیه ای تحت عنوان طومار برای «آزادی تشکلهای کارگری» منتشر شد که حدود ۴۰۰۰ هزار نفر از کارگران و فعالان جنبش کارگری آن را امضا کردند.

در این بیانیه گفته شده که: «سازمان جهانی کار با اعزام نمایندگانی به ایران و نظارت به امضای تفاهم نامه ای در خصوص اصلاحاتی در فصل ششم قانون کار موجود (در رابطه با تشکلهای کارگری) که بدون حضور نمایندگان مستقل کارگران انجام گرفته، در کمال تأسف عملاً بر بی حقوقی کارگران در ایران صحنه گذاشته و به این وسیله به آن رسمیت بخشیده است. قطعاً

کارگران ایران که به دلیل محرومیت از داشتن تشکلهای مستقل خود همواره شاهد تحمیل قوانین ضد کارگری و مغایر با مقوله نامه های سازمان جهانی کار (ILO) بوده اند، تفاهم نامه ای را که نمایندگان آنها در تنظیم و امضای آن حضور نداشته اند، به رسمیت نخواهند شناخت. لذا ما امضاکنندگان زیر خواهان به رسمیت شناختن آزادی ایجاد تشکلهای مستقل کارگری هستیم.»

سازمان ما از تلاشهای فعالان جنبش سندیکایی ایران که با مردود اعلام کردن تشکلهای دولتی خواهان آزادی فعالیت تشکلهای مستقل کارگری شده اند حمایت و پشتیبانی می کند.

ما از سازمان جهانی کار می خواهیم که نام جمهوری اسلامی را در لیست سیاه نقض کنندگان حقوق سندیکایی قرار داده و به رژیم ایران برای به رسمیت شناختن حقوق حقه کارگران بیش از پیش فشار وارد نماید.

ما با ارج گزاری از حمایت اتحادیه ها و سندیکاهای کارگران و مزدبگیران جهان از مبارزه کارگران ایران در سال گذشته خواستار ادامه و گسترش این حمایتها می باشیم.

کارگران و مزدبگیران ایران نمایش انتخاب یک تدارکچی برای نظام ولایت فقیه در ۲۷ خرداد امسال برگزار خواهد شد. نهاد دولتی خانه کارگر در صد است تا اگر رفسنجانی داوطلب برای این بازی مسخره شود، با حمایت از وی کارگران ایران را دعوت به شرکت در این نمایش فرمایشی کند. شما بیش از هر کس می دانید که دستاوردهای جمهوری اسلامی برای کارگران و مزدبگیران ایران چیزی جز فقر، گرسنگی، جهل، فحشاء، بی خانمانی و عقب ماندگی نبوده است. در نظام ولایت فقیه شرکت در انتخابات هیچ معنی و مفهومی جز کمک به پایداری سرکوب و ستم ندارد.

با تحریم همگانی نمایش انتخاباتی، نقش پیشتاز بودن خود در مبارزه علیه حکومت استبدادی مذهبی حاکم بر ایران و پیشتاز بودن در مبارزه برای تحقق دموکراسی، عدالت، جدایی دین از دولت را نشان دهید.

ما از تمامی کارگران، کارکنان و مزدبگیران شاغل در مراکز دولتی و خصوصی و از تمامی مدافعان آزادی و توسعه پایدار به سود ستمکشان می خواهیم که با اتحاد، همبستگی و مبارزه نمایش انتخاباتی رژیم ولایت فقیه را تحریم کامل کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران چهارشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۸۴ - ۲۷ آوریل ۲۰۰۵

سوماویا در تهران با چه کسانی مذاکره می کند؟

جعفر پویه

تنها یک هفته پس از یورش اراذل و اوباش "خانه کارگر" و شوراهای اسلامی کار به فعالان سندیکایی شرکت واحد، خوان سوماویا، مدیرکل سازمان بین المللی کار در تهران با علیرضا محجوب و جمعی از پدروخوانده های تشکلهای مافیایی وابسته به حکومت وارد مذاکره شده است. او که برای افتتاح دفتر سازمان بین المللی کار وارد تهران شده، یک دور مذاکرات را با نمایندگان دولت، تشکلهای کار فرمایی و باندهای سیاه خود خوانده به نمایندگی از طرف کارگران انجام داده است.

جدا از ماهیت سازمان بین المللی کار و شیوه های برخورد آن با دولتها و تشکلهای مورد تایید آنها و اینکه سالهاست که ILO به کارگزار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تبدیل شده است اما سوو استفاده رژیم ضد انسانی ولایت فقیه از حضور مدیرکل سازمان مزبور در تهران و تایید سیاستهای ضد کارگری اش توسط وی امری است که بر کسی پوشیده نیست. جالب است که به گزارش خبرگزاری دولتی ایلنا، سوماویا در جمع نمایندگان سه جانبه (دولت، کارگران و کارفرمایان) می گوید: "قوانین سخت استخدام داریم که منجر به توسعه قراردادهای موقت شده است و همچنین نبود امنیت شغلی و آثار جهانی شدن بر اقتصاد ملی از مهمترین مشکلاتی است که کارگران و کارفرمایان در ایران یا آن روبرو هستند. اما ضروری است تا خاطر نشان کنم که این مشکلات در سطح جهان نیز وجود دارد."

او با اشاره به قراردادهای موقت و نبود امنیت شغلی نشان می دهد که با مشکل کارگران ایرانی آشنایی دارد. اما از آن جا که در نظر ندارد تا به حمایت از کارگران چیزی بگوید، مشکل بزرگ کارگران ایرانی (یعنی قراردادهای موقت کاری) را با قوانین سخت استخدام داریم همراه می کند تا به او نگویند که دولت و کارفرمایان در پناه باندهای سیاهی به نام "خانه کارگر" و شوراهای اسلامی کار این وضعیت را به کارگران ایرانی تحمیل کرده اند. ترجیح بند او "این مشکلات در سطح جهان نیز وجود دارد" راه فراری است برای غیر قابل

بقیه در صفحه ۱۹

نگاهی کلی به جنبش کارگری در سال گذشته

مهدی سامع

نقل از سایت دیدگاه

Mehdi_samee@yahoo.com

در اول ماه مه با تبریک روز همبستگی جهانی کارگران،

گرامیداشت یاد و خاطره تمامی کارگران، مزدبگیران و فعالان جنبش کارگری و سندیکایی در سراسر جهان که در مبارزه برای کسب آزادی و حقوق تاریخی خود جانباخته اند.

با درود به تمامی کارگران، مزدبگیران و زحمتکشانی که به خاطر تلاشهای خود به زندان افتاده و مقاومت می کنند،

با آرزوی همبستگی هرچه گسترده تر فعالان جنبش کارگری و سندیکایی ایران،

با امید به برپیده شدن بساط ننگین استبداد مذهبی حاکم بر ایران،

نگاهی کوتاه و البته کلی به جنبش کارگری ایران در سال گذشته می اندازم.

بررسی دقیق و کامل وضعیت کارگران و مزدبگیران ایران از نظر اقتصادی و اجتماعی - سیاسی در این نوشته کوتاه

میسر نیست، اما نگاهی کوتاه به هرکدام از حوزه های حیات کارگران

یاری دهنده ما برای یک جمع بندی کلی است. کسانی که مسایل کارگری

را دنبال می کنند می توانند با مراجعه به سایت ایران نبرد به این آدرس

<http://www.iran-nabard.com>

روز از اخبار و گزارشهای کارگری به نقل از رسانه ها را مطالعه کنند.

کارگر کیست؟

هر انسانی که از فروش نیروی کار یدی و یا فکری خود در بخشهای مختلف تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی زندگی می کند، کارگر است. بنا به این تعریف کارکنان موسسات دولتی و خصوصی به شمول معلمان و پرستاران و..... کارگر هستند.

وضعیت اقتصادی کارگران، نان

یک کالای لوکس برای کارگران

از نظر اقتصادی در سال گذشته فلاکت کارگران و تعرض به سطح زندگی و معیشت آنها افزایش بی سابقه ای پیدا کرد. تعیین حداقل دستمزد در پایان سال گذشته خورشیدی نمونه کامل برخورد حکومت و طبقه سرمایه دار با کارگران و مزدبگیران ایران بود.

خود بعد از تعطیلات سال نو، با درب بسته فروشگاه مواجه شدند که در پی تلاش پرسنل، درب ورودی فروشگاهها باز شد و کلیه پرسنل ۱۴ شبانه روز را در آنجا سپری کرده و شبها در محل فروشگاه می خوابند.»

*اعضای هیات ماده ۹ قانون نوسازی و بازسازی صنایع گیلان در ایام پایانی سال ۸۳ مجوز اخراج کارگران ۱۹ کارخانه واجد شرایط استان را صادر کردند.

به گزارش روز دوشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۴ خبرگزاری دولتی کار، در این جلسه که ۲۷ اسفند برگزار شد، به واحدهای صنعتی و تولیدی «ایران برک»، «پارس»، «جلوبندی لاهیجان»، «پیله و ابریشم شمال»، «ریسندگی خاور»، «ریسندگی و رنگرزی پنگوئن»، «فرش و موکت پنگوئن»، «پلاستیک لاکان»، «فیبر ایران»، «انجمن حمایت از زندانیان»، «داروپوش»، «خزان استرج»، «لاستیک سازی»، «الکتروموتور ایران»، «ظرفیران»، «بیسته بندی کارتن شمال»، «روغن موتور لوشان» و «پارس موکت» اجازه اخراج کارگران داده می شود.

*به گزارش روز چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۸۴ ایلنا از زمان خصوصی سازی کارخانه نساجی فومنتا، کارگران این شرکت بیش از ۸ ماه حقوق دریافت نکرده اند و اکنون مواد اولیه مورد نیاز شرکت هم در حال اتمام است. در نساجی «فومنتا» سوخت موجود نیست و سرویس ایاب و ذهاب و غذای کارگران هم قطع شده است. ۸۳ کارگر قراردادی شرکت اخراج شده اند، ۸۷ نفر بر اساس ماده ۱۰ قانون نوسازی صنایع باز نشسته شده اند و ۲۷۱ کارگر هم در بالاترکلیفی بسر می برند.

پرداخت نکردن حقوق کارگران

مساله عدم پرداخت حقوق کارگران یکی از مسائلی بود که کارگران در سال گذشته همچون سالهای قبل با آن درگیر بودند. در بعضی از واحدهای اقتصادی دستمزد کارگران تا ۲۰ ماه پرداخت نشده است. به چند نمونه توجه کنید.

روز یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۴ یک نماینده کارگری به ایلنا می گوید: «کارگران نساجی "پارس ایران" بیش از ۱۵ ماه حقوق نگرفته اند و در شرایط بدی به سر می برند.»

این نماینده کارگری همچنین از وضعیت شرکت «فومنتا» و بالاترکلیفی کارگران این واحد اظهار نگرانی کرد و گفت: «کارگران این واحد ۸ ماه حقوق

نگرفته اند و در بازدید اخیری که برخی از مسئولان از این واحد داشتند، اعلام شد که این واحد مواد اولیه ندارد و کارگران در شرایط نامطلوبی بسر می برند.»

دبیر اجرایی این خانه کارگر در خصوص عدم پرداخت ۱۵ ماه حقوق به کارگران، گفت: «کارگران نساجی پارس ایران ۱۵ ماه حقوق نگرفته اند و باید اعتراض خودشان را به جایی انعکاس دهند که اگر هم در این رابطه تجمع کنند، با آنها برخورد می شود.» ایلنا: سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۴

نماینده کارگران سیستان و بلوچستان، با اظهار تاسف از وضعیت کارخانه «آجرو ماسه آهکی» ابرانشهر گفت: مسئولان این واحد، به جای دستمزد ماهیانه، به کارگران آجر و آهک می دهند و کارگران نیز آجر و آهک را با هزار زحمت و مشقت در مراکز فروش آهک و آجر به فروش می رسانند. ایلنا: سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۴

ابوبال عظیمی، مسئول نهاد دولتی شورای اسلامی کارخانه «نازنج» گفت: «کارفرمای "نازنج" در قزوین با استفاده از چراغ سبز حمایتی، حقوق ۱۴ ماهه کارگران این واحد را پشت چراغ قرمز بالاترکلیفی بایکوت نموده است. وی اضافه می کند که: «بعد از خصوصی شدن کارخانه، بساط کلیه امکانات رفاهی بهداشتی، سلامتی و همچنین ایمنی از این واحد بر چیده شد و هر روز باید منتظر بروز یک حادثه جدید در این کارخانه باشیم.» ایلنا: دوشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۸۴

حرکتهای اعتراضی کارگران

در سال گذشته بدون هرگونه اغراق صدها حرکت اعتراضی به اشکال مختلف از جانب کارگران صورت گرفت. اگر تعداد شرکت کنندگان در این حرکتها با محاسبه «ضریب روز» به چند صد هزار بلغ می شود. تجمعهای اعتراضی معلمان در سراسر کشور در مهر ماه سال ۱۳۸۳ و اعتصابهای متعدد پرستاران در طول سال گذشته همراه با صدها حرکت از جانب کارکنان واحدهای دولتی و خصوصی نشاندهنده اعتلای نوین جنبش کارگری در سال گذشته می باشد. به چند نمونه از حرکتهای کارگری در چند ماه گذشته توجه کنید. *اعتصاب کارگران معدن زغال سنگ البرز غربی واحد سنگرود، با ۸۰۰ کارگر، از روز ۲ بهمن ۱۳۸۳ آغاز شد و به چند هفته ادامه پیدا کرد. علت اصلی بقیه در صفحه ۹

نگاهی کلی به جنبش کارگری در سال گذشته

بقیه از صفحه ۸

این اعتصاب خصوصی سازی این معدن و تعویق ۲ ماه حقوق و مزایا بود. این حرکت اعتراضی کارگران، یکی از مهمترین و طولانیترین حرکت کارگری در سال گذشته بود.

سرانجام با موافقت کارگران و به تشخیص کمیسیون کارگری استانداری گیلان، این واحد معدنی به شرکت اکتشاف حفاری ایران واگذار شد و کارگران آن دست به اعتصاب خود پایان دادند.

*تجمع و اعتراض کارگران کارخانه کاشی حافظ در شیراز

کارخانه کاشی حافظ با هزار نفر کارگر در شهرک زرقان در پانزده کیلومتری شرق شیراز (جاده شیراز به اصفهان) واقع شده است. ۵۰٪ این کارخانه در مالکیت بخش خصوصی و ۵۰٪ آن در مالکیت بانک صنعت و عمران میباشد.

در پی نو سازی بخشی از ماشین الات این کارخانه کار فرما، تصمیم به اخراج ۴۰۰ نفر از کارگران را گرفته و در پی دو هفته گذشته این موضوع را به آنان اعلام میکنند. این کارگران اخراجی که کم سابقه کاری ترین آنان چهارسال و اغلب بیش از بیست سال از عمر خود را، در کار برای این مرکز تولیدی گذرانده بودند دست به اعتراض و اعتصاب میزنند.

از ابتدای همین هفته کارگران شاغل، به حمایت از همکاران اخراجی خود، دست از کار کشیده اند. در پی پیوستن و حمایت کارگران شاغل و ازدحام کارگران اخراجی در محوطه کارخانه، بیست دستگاه اتومبیل حامل نیروهای

ضد شورش و سرکوبگر از نیروهای یگانهای ویژه سرکوب شهر شیراز به محل کارخانه اعزام شده و روز سه شنبه و چهارشنبه به این تجمع حمله ور شده و تعدادی را مضر و تعدادی را دستگیر نموده اند، اما در پی حمایت جدی کارگران شاغل و ایستادگی کارگران بدون آینده اخراجی، در مقابل سرکوب و تهدید، کارفرما پیشنهاد

بازخريد (درمقابل مبالغ ناچیز) را مطرح کرده اما کارگران تا دریافت خبر (عصر چهارشنبه هفتم بهمن ماه ۱۳۸۳) مصمم به ادامه حرکت اعتراضی خود تا بازگشت کارگران اخراجی بر سرکارشان بودند. (پیک ایران: پنج

شنبه ۸ بهمن ۱۳۸۳) *کارگران صابون سازی یاس خرمشهر پس از سه سال اعتراض، اقدام به

اعتصاب یک هفته ای کردند. اعتصاب کارگران این شرکت بدون نتیجه خاصی پایان یافت.

در مورد این اعتصاب و اصولاً رابطه بین کارگران با نهاد دولتی خانه کارگر ابوطالبی، دبیر خانه کارگر خوزستان اعتراف جالبی می کند. وی می گوید: «مهمترین مساله خانه کارگر و شورای اسلامی استان، آرام نگهداشتن کارگران این واحد تولیدی و حل مساله به صورت توافقی است.» (ایلنا: جمعه ۷ اسفند ۱۳۸۳)

کردند، اما همچنان بدون پاسخ مانده اند.

*بیش از ۵۰۰ تن از کارگران صنایع پوشش رشت به دلیل عدم دریافت ۴ ماه حقوق، جاده اصلی رشت به بندر انزلی را مسدود کردند. (ایلنا: جمعه ۷ اسفند ۱۳۸۳)

*به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، صبح روز چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۸۴ حدود ۵۰ معلم زن حق التدریس در مقابل ساختمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش تجمع و تحصن کرده و با سر دادن شعارهایی با مضامین عدالت خواهی خواهان رسیدگی آموزش و پرورش به مشکلات خود شدند.

*تحصن و اعتراض ۴ هزار نفری کارگران کارخانجات «کشت و صنعت شهید بهشتی و شهید رجایی» پس از گذشت یک هفته همچنان ادامه دارد. این خبر را روز شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۸۴ خبرگزاری دولتی کار منتشر کرد.

به دنبال تصمیم دولت درباره واگذاری کارخانجات «کشت و صنعت شهید بهشتی و شهید رجایی» و «هفت تپه» تحصن و اعتراض کارگران شروع شد. *روز یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۴ ایلنا

خبر تعطیل کارخانه نساجی «آران جنوب» در آبادان و بلا تکلیفی ۵۰ کارگر آن را منتشر کرد. علت تعطیلی این کارخانه کمبود مواد اولیه اعلام شد.

*تعدادی از پرسنل پتروشیمی آبادان در اعتراض به بازنشستگی اجباری خود از سوی مدیریت پتروشیمی، با اجتماع در محل خانه کارگر آبادان، اظهار داشتند که یک ماه است که از ورود آنان به شرکت جلوگیری می شود و اکنون در بلا تکلیفی به سر می برند. (ایلنا: چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۸۴)

*بنا به خبر روز پنجشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۴ ایرنا حدود ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت سالمین شهرستان ساوه پس از سه روز تحصن فعالیت کاری خود را روز پنجشنبه از سر گرفتند. در پی اعتراض کارگران، کارفرمای شرکت سالمین متعهد شد تا نتیجه نهایی و

تحقق خواسته های کارگران و تصمیم کارشناسان وزارت کار تعدیل نیرو نداشته باشد.

شرکت سالمین تولیدکننده مواد غذایی "سالمین" با ۶۳۵ نفر نیرو در شهرک صنعتی کاوه شهرستان ساوه واقع شده است.

مقابله سرکوبگرانه رژیم با کارگران

مساله مقابله نظامی و امنیتی با جنبش کارگری یک امر متداول در سال گذشته بود. اما نکته مهمی که در لابلای خبرها درز پیدا می کرد این بود که کارگران در مقابله با این سرکوبگرها به مساله مقابله متقابل فکر می کردند. برای نمونه به خبر مربوط به حرکت اعتراضی کارگران کارخانه «نساجی فومنات» توجه کنید.

در این خبر یک کارگر می گوید: «اگر آنروز ما سلاح را از دست سرbazان می گرفتیم، خون به پا می شد.»

این کارخانه قبلاً دولتی بود و قبل از واگذاری به بخش خصوصی، یک هزار و ۲۰۳ کارکن داشته که پس از واگذاری، به ۵۳۵ کارگر تقلیل پیدا کرده است. این شرکت، از سال ۸۲ در راستای برنامه توسعه سوم، توسط شرکت سرمایه گذاری «آتیه دماوند» به عنوان یک بنگاه مالی متعلق به بانک صنعت و معدن به بخش خصوصی واگذار شد.

اما متن خبر به شرح زیر است: با تجمع کارگران مقابل کارخانه «نساجی فومنات»، نیروی انتظامی با نیروهای ضد شورش خود در محل حضور پیدا کرد و با کارگران برخورد فیزیکی صورت داد که این برخورد منجر به مجروح شدن ۵ نفر از کارگران شد که جراحات ۳ نفر از آنان شدید بود و افراد مذکور به بیمارستان منتقل شدند.

رمضان علی شیرعلی پور، یک کارگر قسمت تکمیل کارخانه نساجی فومنات که در جریان درگیری نیروی انتظامی با کارگران این واحد مجروح شده، می گوید: «مساله تجمع در مقابل کارخانه، یک امر صنفی و خارج از هر گونه مساله سیاسی بود. اما یگان ضد شورش نیروی انتظامی به همراه تعدادی لباس شخصی برای سرکوبی کارگران در محل حضور پیدا کرد.

وی ادامه داد: کارگران نساجی فومنات حدود ۱۱ ماه است که حقوق نگرفته و حتی برای خرید نان دچار مشکل شده اند و هدف ما از تجمع این بود که صدای ما به گوش مسوولین استانی و کشوری برسد.

این کارگر اضافه کرد: یکی از لباس شخصی ها به نام بسیار سرbazان را تحریک می کرد که همین شخص با یک بشکه ۵۰ لیتری بر سر من کوبید و باعث مجروح شدن من شد.

وی ادامه داد: آقایانی که نیروی ضد شورش برای سرکوبی ما آوردند، فکر نکردند که ما خارجی نیستیم، بلکه ایرانی هستیم.

وی افزود: فرماندهای که دستور زدن کارگران را داده است، خیلی ناپخته عمل کرد و اگر آنروز ما سلاح را از دست سرbazان می گرفتیم، خون به پا می شد. (ایلنا: شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۸۳ - ۲۹ ژانویه ۲۰۰۵)

روز بعد در یک خبر دیگر از همین خبرگزاری اعلام شده که: «یکی از کارگران نساجی فومنات به علت فقر و بدهی، خود را در در محل سالن تکمیل کارخانه حلق آویز کرد؛ اما کارگر دیگری طناب دار را قطع کرد و باعث نجات او شد.»

نمونه ای از همبستگی کارگری

کمی پس از آغاز حرکت های اعتراض آمیز کارگران شرکت صنعتی «پارس مینو» در خرمدره زنجان، کارگران شرکت صنعتی «پارس مینو» در تهران نیز به منظور برآورده سازی مطالبات قانونی خود دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب کنندگان می گویند: مدیر شرکت مینو، بارها در برابر مسوولان اداره کار و مقامات انتظامی، رفتار کارگران را خصمانه و خواسته های آنان را غیر قانونی خوانده است؛ به گونه ای که پس از اولین اعتراض کارگران در ماه رمضان، طی نامه ای اعتراض کنندگان را مخالفان نظام دانسته است. (ایلنا: شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۸۳ - ۲۹ ژانویه ۲۰۰۵)

حرکتهای اجتماعی - سیاسی کارگران، حق تشکل مستقل

خواست محوری کارگران

نخست باید گفت که هر حرکت اجتماعی در ایران که خواستار یکی از حقوق پایه ای شهروندی باشد به ناچار یک حرکت سیاسی است. علت این امر را باید در خصلت و ماهیت نظام حاکم بر ایران یعنی نظام ولایت فقیه دانست.

تا دوسال پیش رژیم ایران از کشورهایی بود که به طور مداوم یا در لیست سیاه سازمان بین المللی کار بود و یا از طرف این نهاد بین المللی و

بقیه در صفحه ۱۰

نگاهی کلی به جنبش کارگری در سال گذشته

بقیه از صفحه ۹

بسیاری از معتبرترین سندیکاها و اتحادیه های کارگری به خاطر نقض حقوق کارگران مورد پرسش قرار می گرفت و یا به خاطر فقدان آزادی تشکلهای مستقل کارگری محکوم می شد.

یکی از حقوق پایه ای کارگران که کنوانسیون مربوط به آن توسط ایران پیش از روی کار آمدن جمهوری اسلامی امضا شده، حق تشکیلات مستقل کارگری است که بر طبق آن کارکنان موسسات مختلف که انسانیهای در آن کار می کنند برای دفاع و پیگیری حقوق خود حق دارند بدون دخالت دولت ها و کارفرمایان و یا هر قدرت دیگری سندیکای خود را مطابق با منشور جهانی حقوق سندیکایی تشکیل دهند.

اما در ایران هر تشکیلاتی و منجمله شوراهای اسلامی کار و انجمنهای اسلامی کارگران و یا هر تشکیلات کارگری و یا کارمندی باید در اساسنامه خود به ولایت مطلقه فقیه متعهد و ملتزم باشد. خانه کارگر نمونه کامل یک تشکیلات کارگری وابسته به دولت است و بنابراین با معیارهای سازمان بین المللی کار و از جمله مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ که ناظر بر حقوق سندیکایی است در تناقض می باشد.

دو سال پیش به دنبال تلاشهای نیروهای ترقیخواه و فعالیتهای مستمر مقاومت ایران و فعالان کارگری در خارج از کشور، رژیم ایران تن به یک عقب نشینی داد و پذیرفت که هیاتی از جانب سازمان جهانی کار از ایران بازدید کرده و در مورد حقوق سندیکایی مذاکره سه جانبه صورت گیرد.

در تاریخ ۱۶ دیماه ۱۳۸۲ گروهی از نمایندگان کارکنان صنعت نفت در نامه ای به خطاب به «برنارد جرنیگان» و «کارن کرتیس» کارشناسان سازمان بین المللی کار که به منظور بررسی جایگاه تشکلهای کارگری در ایران از طرف شاخه آزادی اتحادیه های سازمان بین المللی کار و اداره آزادی انجمنهای این سازمان به ایران سفر کرده بودند، خواستار ممانعت از دخالت نیروهای غیرکارگری در ایجاد اتحادیه های مستقل کارکنان صنعت نفت شدند.

امضا کنندگان این نامه نوشتند که: «طبق تبصره ماده ۱۵ قانون شوراهای اسلامی کار ایجاد هر گونه تشکل در صناعی بزرگ چون نفت، گاز،

پتروشیمی، ذوب آهن، صنایع مس و صنایع سنگین منوط به اجازه شورای عالی کار است و تاکنون نیز این نهاد اجازه ایجاد تشکلی در این صنایع را نداده است. علاوه بر این کارگران صنایع زیر ۳۵ نفر هیچ گونه تشکلی ندارند و شوراهای اسلامی کار نیز که یک تشکل کاملاً دولتی و ایدئولوژیک است، پس از ۲۳ سال از هفت هزار کارگاه موجود، تنها در دو هزار کارگاه افرادی را به عنوان نماینده کارگران منصوب کرده اند، بنابراین در غیاب تشکلهای مستقل کارگران ایران، امضای هرگونه قرارداد سه جانبه جنبه قانونی و واقعی ندارد.» این نمایندگان کارگران «خواستار حذف تمامی مواردی از قانون کار،» که به نحوی مانع ایجاد تشکلات مستقل و غیرایدئولوژیک کارگران هستند، تا کارکنان صنعت نفت و صنایع بزرگ بتوانند تشکل مستقل خود را بر مبنای مقاله نامه ها و توصیه نامه های آن سازمان به وجود آورند» شده اند.

در سال ۱۳۸۳ این تلاش ابعاد گسترده تری پیدا کرد. در ۱۱ بهمن ۱۳۸۳ هیات موسس برای «احیای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران» اعلام موجودیت علنی خود را اعلام کرد. در نامه ای به خاتمی این کارگران می نویسند: «ما گروهی از کارگران شرکت واحد تهران تحت عنوان هیات موسس و احیای سندیکای کارگران شرکت واحد جهت بازگشایی سندیکای خود طبق مقاله نامه های بین المللی مربوطه تلاشهایی را آغاز و در اولین گام نامه هایی به وزیر و معاون وزیر کار ارسال و بازگشایی سندیکای خود را مطرح کرده و در ادامه کوشش هایی جهت آگاهی و آشنایی همکاران انجام داده و می دهیم.»

و بالاخره در اواخر سال گذشته بیانیه ای تحت عنوان «کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در ایران» منتشر شد. این بیانیه با امضای چند هزار تن از کارگران و فعالان کارگری در ایران خطاب به «سازمانهای کارگری در سراسر جهان و سازمان بین المللی کار و وزارت کار و امور اجتماعی» رژیم است. در این بیانیه نوشته شده: «سازمان جهانی کار با اعزام نمایندگانی به ایران و نظارت به امضای تفاهم نامه ای در خصوص اصلاحاتی در فصل ششم قانون کار موجود (در رابطه با تشکلهای کارگری) که بدون حضور نمایندگان مستقل کارگران انجام گرفته، در کمال تأسف عملاً بر بی حقوقی کارگران در ایران صحنه گذاشته و به این وسیله به آن رسمیت بخشیده است. قطعاً کارگران ایران که به دلیل محرومیت از داشتن تشکلهای مستقل خود همواره شاهد تحمیل قوانین ضد کارگری و مغایر با

مقاله نامه های سازمان جهانی کار (ILO) بوده اند، تفاهم نامه ای را که نمایندگان آنها در تنظیم و امضای آن حضور نداشته اند، به رسمیت نخواهند شناخت. لذا ما امضاکنندگان زیر خواهان به رسمیت شناختن آزادی ایجاد تشکلهای مستقل کارگری هستیم.»

بدین ترتیب با اعلام موجودیت «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری در ایران» که مورد استقبال و حمایت هزاران کارگر و هزاران تن از ایرانیان آزادیخواه قرار گرفت، مساله «تشکلهای مستقل کارگری» در تئوری و عمل نظم ولایت فقیه ای را به چالش جدی کشید.

در روز دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴ (۱۱ آوریل ۲۰۰۵) این کمیته گزارش سومین مجمع عمومی خود را که روز ۱۹ فروردین ۱۳۸۴ (۸ آوریل ۲۰۰۵) برگزار شده بود را منتشر کرد. بنا بر این گزارش «مجمع عمومی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری با شرکت ۶۲ نفر از رهبران و فعالان کارگری از اقصی نقاط کشور در تهران برگزار گردید. دستور کار این مجمع شرح وظایف کمیته در جنبش کارگری و انتخاب نمایندگان و سخنگوی کمیته در دوره پیش رو تا مجمع بعدی بود.»

سامانیایی این کمیته و کمیته ها و کانونهای کوچکتر که با هدفشان تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری است، بدون شک مبارزه طبقه کارگر ایران را وارد دوران جدیدی کرده است. این مبارزه و تلاش به ناچار با مقررات ضد کارگری و از کانال آن با نظام ولایت فقیه درگیر خواهد شد و از این رو خصلت سیاسی داشته و خواهد داشت و این ناقوس خطر را برای سرکردگان نظام استبدادی مذهبی حاکم بر ایران به صدا در آورده است. هم از اینروست که در روز جمعه ۷ اسفند ۱۳۸۳ (۲۵ فوریه ۲۰۰۵) رفسنجانی در پیامی به نمایش دولتی «دومین کنگره خانه کارگر تشکیلات استان همدان» کارگران را تهدید می کند که «فرب شعارهای کمونیستی و سوسیالیستی» را نخورند.

اگر منظور رفسنجانی از «شعارهای کمونیستی و سوسیالیستی» شعار ایجاد تشکلهای مستقل کارگری» است، کمونیستها و سوسیالیستها و همه ی آزادیخواهان باید سرفراز باشند که چنین شعاری را سر می دهند و به امید آن که همه ی آزادیخواهان برای تحقق این شعار و برای آزادی همگانی از جنبش کارگری ایران که با گامهای استوار، اما با شریطی سخت، به پیش می رود پشتیبانی کنند.

باید از حق تشکل یابی همه جانبه دفاع کرد

جعفر پویه

چاقو کشان و ارازل و اوباش سازماندهی شده تحت نام خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار بار دیگر از لانه خود بیرون خزیده و به سرکوب فعالان کارگری پرداختند. آنان که حق حضور و فعالیت را برای هیچ گروه و سازمانی به رسمیت نمی شناسند، پا را بیش از حد خودشان دراز کرده و مدعی شده اند که تنها آنان هستند که اجازه فعالیت در عرصه های کارگری را دارند و هر تشکل دیگری غیر قانونی است. چماقداران وابسته به حکومت این بار بهانه هایی همچون جنگ و مبارزه با آمریکا را به کناری گذاشته و با عریضه حق سرکوب دیگران را برای خود محفوظ می دانند. این لومپن های اجیر شده نمی دانند که کارگران برای برپایی تشکل های صنفی و طبقاتی خود از انگلهایی همچون آنان ترسی نداشته و عرصه پیکار طبقاتی از وجود عناصری همچون اینان انباشته است.

مزدوران حکومتی روز سه شنبه در پناه حمایت پلیس با حمله به هیئت موسس سندیکای کارگران شرکت واحد پس از شکستن درب و پنجره محل استقرار آنها به ضرب و شتم آنان پرداخته و با انتشار بیانیه ای از این عمل خود نیز دفاع کرده اند. طبق اطلاعات رسیده در این یورش حسین صادقی دبیر کانون شورای اسلامی کار دست های منصور اسانلو یکی از فعالان سندیکای را از پشت نگه داشته و جلال سعید منش یکی دیگر از اوباشان زبان و گردن او را بریده است. حسین صادقی در گفتگو با خبرگزاری دولتی ایسنا این عمل خود را حاشا می کند و می گوید که در این روز در تهران نبوده و "چنانچه کارگران درگیر در حادثه روز گذشته از اعضای شوراهای اسلامی کار بوده باشند، حق آنها بوده و آنها از کیان خود دفاع کرده اند." حسین صادقی چاقو کشی و بریدن زبان و گردن

بقیه در صفحه ۱۹

روز کارگر در جهان

گردآورنده: اسد طاهری
تظاهرات روز یکشنبه در برخی کشورها به خشونت کشیده شد و در نتیجه درگیری تظاهر کنندگان با پلیس، عده ای زخمی و بسیاری دیگر بازداشت شدند.

در بسیاری از شهرهای فرانسه، اسپانیا، کلمبیا، اکوادور، برزیل، آرژانتین، بولیوی، اروگوئه، کوبا، کره جنوبی، عمان، عراق و دیگر کشورها نیز تظاهرات روز جهانی کارگر برگزار شد. تظاهرکنندگان در اکثر کشورها خواستار افزایش حقوق و بهبود شرایط کار شدند. همچنین در بسیاری از کشورها روز جهانی کارگر به روز اعتراض به روابط دولتها با آمریکا بدل شد. در کشورهای آمریکای لاتین تظاهرکنندگان نسبت به روابط تجاری دولتهاشان با آمریکا معترض بودند و در برخی کشورها هم انحصارطلبی و یکجانبه گرایی آمریکا محکوم شد.

به گزارش خبرگزاریها، میلیونها تن در سراسر جهان در روز جهانی کارگر این روز را به تظاهرات علیه آمریکا و ضد دولت ها تبدیل کردند. در بسیاری از شهرهای اروپا تظاهرات گسترده ای برپا شد و اتحادیه های کارگری و گروههای سیاسی و اجتماعی مخالفت خود را با جنگ علیه عراق و ادامه اشغال آن کشور توسط نیروهای آمریکا و بریتانیا اعلام داشتند.

پایان دادن به زدوخورد های خونین در مناطق فلسطینی و استقرار صلح بین اسرائیل و فلسطینیها نیز از خواسته های سیاسی تظاهر کنندگان بود. در پاره ای از شهرها، گروههایی از تظاهر کنندگان با پلیس به زد و خورد پرداختند و دهها نفر مجروح شدند.

در اجتماعات بزرگ سازمان های کارگری و کارکنان صنایع، رهبران اتحادیه های کارکنان در سخنرانیهای خود از روند مسایل اجتماعی و کاهش کمکهای بازنشستی و تامین اجتماعی در کشورهای خود انتقاد کردند.

آلمان

در آلمان، خشونت بار ترین تظاهرات اول ماه مه در برلین صورت گرفت در این تظاهرات گروههایی از جوانان پس از یک جشن خیابانی، ساعتها با پلیس سرگرم زدو خورد شدند.

انتقاد از دولت ائتلافی سوسیال دمکرات و سبزه ها، به اوج خود رسید و در حومه فرانکفورت که در اجتماع بزرگ اتحادیه کل کارگری، گرهارد شرودر صدر اعظم سوسیال دمکرات آلمان هم حضور داشت، رهبران

اتحادیه های کارگری با انتقاد شدید از دولت، برنامه اصلاحات آقای شرودر را رد کردند.



این رهبران برنامه موسوم به اصلاحات ۲۰۱۰ گرهارد شرودر را با اصول سوسیال دمکراسی مغایر دانسته و آنرا بر خلاف حقوق اساسی کارگران و بازنشستگان و طبقه کم در آمد نامیدند.

صدر اعظم آلمان هنگام سخنرانی و دفاع از برنامه خود چند بار با فریادهای اعتراض آمیز روبرو شد. این گروهها با پرتاب سنگ و بطری و مواد آتشزا به سوی ماموران انتظامی آنها را ناگزیر به حمله متقابل کردند و در این زدو خوردها دهها نفر از طرفین مجروح شده و بیش از ۱۰۰ نفر از تظاهرکنندگان بازداشت شدند.

در شهر لایپزیک آلمان، راهپیمایی هزاران تن از راستگرایان تونازی به درگیری میان مردم و پلیس انجامید که در نتیجه آن تعدادی زخمی و عده ای نیز بازداشت شدند. همچنین رهبر حزب سوسیال دمکرات آلمان و یکی از نزدیکان گرهارد شرودر، با تخم مرغ گندیده مورد حمله قرار گرفت.

چین

گسترش بیماری سارس امسال باعث کاستن از شور و شوق مراسم سنتی روز کارگر در چین شد، زیرا بسیاری از مردم در هراس از ابتلای به این بیماری و پروسی ترجیح داده اند در منزل خود بمانند. محل های مورد توجه گردشگران در پکن خالی از مراجعه کننده است. رسانه های رسمی چین از کارکنان درمانی و پزشکی به دلیل تلاشهای آنان در مبارزه با سارس قدردانی کرده اند.

فیلیپین

هزاران تن از طرفداران گروه های سیاسی رقیب به حمایت از "جوزف استرادا"، رئیس جمهوری سابق، و "گلوریا آروبو"، رئیس جمهوری کنونی، تظاهرات کردند. ماموران پلیس فیلیپین مانع از برخورد دوگروه تظاهر کننده شدند.

استرالیا

بین تظاهر کنندگان و ماموران پلیس درگیری روی داد. در شهر سیدنی، استرالیا، ماموران پلیس سواره، تظاهرکنندگانی را که در برابر دفتر یک شرکت استرالیایی مسوول اداره مراکز بازداشت پناهجویان اجتماع کرده بودند، متفرق کرد. تظاهر کنندگان به نحوه

برخورد مقامات استرالیایی با پناهجویان معترض بودند.

روسیه

در مسکو، ده ها هزار نفر در گردهماییهای اعتراضی متعددی که به دعوت اتحادیه های کارگری و حزب کمونیست تشکیل شد، دست به راهپیمایی زده اند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بر افتادن رژیمهای کشور های اروپای شرقی که اکثر آنها در آینده نزدیک عضو اتحادیه اروپا خواهند شد، برگزاری مراسم روز اول ماه مه فقط به انجام تظاهرات خیابانی کارگران جویای احقاق حقوق خود محدود شده است.

انگلیس

درلندن طرفداران محیط زیست، مخالفان سرمایه داری و اتحادیه های کارگری تظاهراتی را ترتیب دادند و ماموران پلیس برای مقابله با بروز خشونت احتمالی، بسیج شدند. تظاهرات در لندن با حرکت گروهی از معترضان دوچرخه سوار به سوی مرکز شهر آغاز شد. پلیس لندن اعلام کرد به منظور مقابله با بروز خشونت احتمالی، مرخصی ماموران خود را لغو کرده است.

مالزی

راهپیمایی آرام کارگرانی که خواستار حداقل دستمزد بودند، توسط پلیس متوقف شد. گروههای مدافع حقوق بشر گفتند که با ورود پلیس به صحنه ی تظاهرات که بدون هشدار قبلی صورت گرفت، بعضی از تظاهر کنندگان مجروح شدند. هفده نفر در این کشور دستگیر شدند. در سنگاپور هم یک سیاستمدار مخالف دولت پس از شرکت در تظاهراتی در مقابل کاخ ریاست جمهوری دستگیر شد.

اندونزی

هزاران تن از مردم اندونزی در تظاهراتی خواستار استعفای خانم مگاواتی سوکارنوپوتری، رئیس جمهور آن کشور، به دلیل "بی توجهی وی به حقوق کارگران" شدند.

ترکیه

پلیس ترکیه در این روز ۶۳ کارگر را به اتهام برگزاری تظاهرات غیرقانونی در شهر استانبول دستگیر کرد.

پلیس شهر استانبول قبلا اعلام کرده بود که کارگران فقط مجازند مراسم روز کارگر را در منطقه "کادی کوی" برگزار کنند. پلیس ترکیه طرفداران دو گروه از سازمانهای چپ را که قصد داشتند دیروز در میدان اصلی شهر استامبول اقدام به برپایی مراسم روز کارگر کنند، بازداشت کرد. برپایی روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف ترکیه تحت تدابیر شدید امنیتی برگزار شد که تنها در شهر استانبول ۵۶۰۰ پلیس این مراسم را تحت نظر داشتند.

"واقعیت این است، در این سالن ۱۲ هزار نفری حتی یک صندلی خالی مشاهده نمی شد"

منصور امان

بی گمان این روزها حجت الاسلام رفسنجانی، نام دست پرورده گان خود در "خانه کارگر" را با احساس دوگانه ای بر زبان می آورد. برهم ریخته شدن صحنه ای که برای نزول اجلال نامزد ریاست جمهوری ترتیب داده شده بود، هنر عوامفریبی کارگزاران مفیدی همچون آقایان محبوب و صادقی را نزد او به گونه ناگواری با علامت سوال روبرو می سازد. دفاع شتابزده اینان از خود و به میدان ریختن هر آنچه که در دسترس می بینند بدین منظور، نشان می دهد که برگزار کنندگان ناموفق سیرک انتخاباتی در مجموعه ورزشی آزادی، به شدت از پیامدهای رسوایی ای که برای پدر خوانده خود به بار آورده اند، بیمناک هستند.

آقای محبوب، دبیرکل خانه کارگر که ظاهرا هنوز تصور می کند دوران جنگ سرد برقرار است، یک جریان طرفدار اتحاد شوروی سابق را به عنوان مقصر معرفی کرده است و آقای صادقی، رییس کانون شوراهای اسلامی کار، سوگند یاد کرده: "در این سالن ۱۲ هزار نفری حتی یک

صندلی خالی مشاهده نمی شد." کارمند حجت الاسلام رفسنجانی، برای آرام کردن رییس خود و پاسخ به ریشخند رقبا ی وی، دست به پاتک زده و روشن کرده است: "خاطرات خوش جامعه کارگری از هاشمی باعث شد علی رغم شعارهای تند که بر علیه دولت و مجلس داده می شد این گونه شعارها به سمت هاشمی نرود."

آقای محبوب شوروی و آقای صادقی "نظام" را سپریلا قرار داده اند، گمان نمی رود این استدلالها موجب آرامش خاطر رییس مجمع تشخیص مصلحت خود و نظام بشود.

۱۳ اردیبهشت ۸۴

جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این نوشتار می خوانید:

- پیروزی تونی بلر در خلا
- آترناتیو
- از کوبا تا مکزیک، جبهه
- آمریکای لاتین
- چاوز در کوبا
- مکزیک، دور تر اما نزدیک

پیروزی تونی بلر در خلا آترناتیو

انتخابات در انگلیس تحت شرایطی استثنایی صورت گرفت. این انتخابات در شرایطی برگزار شد که حزب کارگر نه تنها به یک حزب دست راستی تبدیل گشته بلکه، اکثریت بزرگی از کارگران، طبقه ای که بطور سنتی بر



آن تکیه داشت را نیز از دست داده است.

در سال ۱۹۹۷، تونی بلر با ادعای "تولد دیگری" برای حزب کارگر به صحنه وارد شده و میلیونها نفر را امیدوار ساخت که گزینه انسانی تری در برابر محافظه کاران عرضه خواهد داشت. چهار سال بعد، اگر چه او برای دومین بار در انتخابات پیروز شد، اما ریزش حمایت‌های مردمی وی را از اوج به پایین کشیده بود. در سال ۲۰۰۱، بلر دیگر محبوبیت اولیه خود را به مقدار زیادی از دست داده بود و نارضایتی و ناامیدی جایگزین اعتماد و شور اولیه گشته بود. این نشانی از میزان عدم پایداری و وفاداری او به وعده های پیش از انتخابات بود. این روند نزولی همچنان ادامه یافت، به طوری که در انتخابات این دوره (۲۰۰۵) نه تنها بلر تنفر و انزجار بسیاری را نسبت به خود بر انگیزیده بود بلکه، حزب کارگر نیز مشروعیت خود را به مقدار زیادی از دست داده بود.

برابر بازرسان سدی ایجاد کند تا نقشه ها به خوبی پیش برده شود.

از همین رو، در روزهای پیش از انتخابات، مساله غیر قانونی بودن جنگ، سایه سنگینی بر سر آقای بلر افکند. به طوریکه تلاشهای زیادی صورت گرفت تا غیر قانونی بودن جنگ عراق به اثبات برسد. اما دوستان بلر تا توانستند تلاش کردند توسط راهبهای قانونی این شر را از سر او کم کنند.

با این همه، حزب کار به رهبری تونی بلر، نخست وزیر انگلیس، در انتخابات عمومی این کشور با کسب ۳۵۳ کرسی در مجلس عوام برای سومین بار به پیروزی رسید اما اکثریت این حزب در پارلمان به شدت کاهش یافت. حزب محافظه کار با ۱۹۴ رای و حزب لیبرال دمکرات با ۵۹ رای و دیگر احزاب با ۱۲ رای در رده های اول تا چهارم انتخابات عمومی انگلیس قرار گرفتند. این در مقایسه با دوره پیشین انتخابات که حزب کارگر ۴۱۰ کرسی، حزب محافظه کار ۱۶۴ کرسی و حزب لیبرال دمکرات ۵۴ کرسی در مجلس کسب کرده بودند، نشان از افت محبوبیت حزب کارگر دارد.

به طبع این سوال پیش می آید، اکنون که دیگر ثابت شده جنگ علیه عراق ساخته و پرداخته بوش و بلر و حمایت بخش بزرگی از طبقه حاکمه و پارلمان دو کشور بوده است و اگر چه هر دو آنها باید برای ارتکاب به جنایت جنگی محاکمه شوند، چگونه است که هر دو بار دیگر در انتخابات پیروز می گردند؟ مهمترین عامل انتخاب بلر برای بار سوم را می توان در مرحله اول در این امر دید که طبقه کارگر انگلیس واکنش چشمگیری در برابر خیانتی که از جانب حزب کارگر صورت گرفته بود نشان نداد و تلاشی جهت یافتن راهی که ایده های سوسیالیستی را تبلیغ و ترویج و جایگزین سیاستهای بلر کند به عمل نیاورد.

از سوی دیگر، انتخاب بلر، تحت این شرایط، نشانگر این واقعیت است که اکثریت مردم بریتانیا آترناتیو بهتری در برابر بلر در دست ندارند. بنابر یک همه پرسی، بیش از یک سوم افراد زیر ۳۵ سال به طور کلی از پروسه کنونی سیاسی ناراضی هستند و ۶۰ درصد رای دهنده گانی که به هر دو سو گرایش دارند، تعلق خاصی به حزبی ندارند. تنها ۱۷ درصد پرسش شوندگان حامی مصمم حزب کارگر و ۱۳ درصد حامی محافظه کاران هستند. این در حالی است که در اولین دوره یعنی در سال ۱۹۹۷، محبوبیت بلر به ۷۰ درصد رسیده بود.

با این همه، مشکل اساسی این نیست که به طبقه کارگر انگلیس ثابت شود که باید به دنبال آترناتیو دیگری باشد، مشکل این است که آنچه در حال حاضر خود را به نام آترناتیو معرفی می کند، نه تنها شکل رادیکال تری ندارد بلکه، کارگران را به سوی سیاستهای گذشته کارگری دعوت می کند و بدین گونه فضای سیاسی نامناسبی ایجاد می کند. انتخاب آقای بلر سایه سیاه جنگ را از بالای سر او محو نکرده است. هنوز چند روزی از انتخاب نخست وزیر بریتانیا نگذشته بود که ده تن از خانواده های سربازانی که در جنگ با عراق جان خود را از دست داده اند، از او به دادگاه شکایت کردند و وکلا و سازمانهای ضد جنگ، اسناد و مدارکی را به دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت ارایه دادند.

همزمان، رسانه های دست راستی به شدت حزب کارگر را مورد انتقاد قرار دادند، اگر چه او را بهترین انتخاب در شرایط فعلی دانستند اما به این جهت که او به اندازه کافی مخارج عمومی و خدمات اجتماعی را کاهش نداد، به میزان کافی در خصوصی سازی پیشروی نکرده و مالیات تجار و ثروتمندان را به اندازه کافی کم نکرده است، بلر را شایسته انتقاد دانستند. لیبرال دمکراتها نیز نتیجه انتخابات را کاسته شدن محبوبیت حزب کارگر و اعتماد مردم به بلر دانستند. آنها خود را در "سمت چپ حزب کارگر" معرفی کردند.

پروسه تبدیل حزب کارگر انگلیس به جناح دست راستی که مدافع منافع سرمایه داران است رو به تکمیل است. طبقه کارگر این کشور بایستی به آترناتیوی سوسیالیستی روی آورده و برای ایجاد حزب واقعی خود تلاش کند.

از کوبا تا مکزیک، جبهه آمریکای لاتین

در پی تهدیدات اخیر واشنگتن و پس از آنکه خانم رایس، وزیر خارجه این کشور در سفر خود به آمریکای لاتین، ونزوئلا را "نیروی منفی" در این سوی جهان خواند، نخست هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا، به روابط نظامی بین دو کشور خاتمه داد و نظامیان آمریکایی مستقر در این کشور را اخراج کرد. سپس، در یک برنامه

بقیه در صفحه ۱۳

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۲

تلویزیونی به نام "الو رییس جمهور" - که هر هفته در آن شرکت دارد - اعلام کرد که دولت او تصمیم گرفته است، ارتشی ۲ میلیونی با هدف ایجاد نیروی ذخیره آموزش دهد. چاوز همچنین گفت که علاوه بر آن، ۲۵ میلیون ونزوئلایی را در چهار گوشه کشور آماده دفاع خواهد کرد. او گفت: "اگر کسی بخواهد به کشور ما تجاوز کند، کثافت به خوردش می دهیم."

برای پیشبرد این کار، چاوز به تمامی شهرداریها و فرمانداریها دستور داد تا با ژنرال کوئینترو و بلوریا که مسئولیت ارتش ذخیره را عهده دار است، در پیشبرد "سازماندهی ملی" همکاری کنند. "سازماندهی ملی" برنامه ای است که تمامی مردم این کشور را برای دفاع آماده می سازد.

پس از شکست کودتای سال ۲۰۰۲ و پیروزی مردم ونزوئلا، آمریکا به کمک متحدان خود که شامل دولت کلمبیا و طبقه مرفه این کشور می باشد، تلاش کرد تا از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ونزوئلا جلوگیری کند. مهمتر آنکه، بر تلاشهای آمریکا در جهت ایجاد شکاف در اتحاد و همبستگی آمریکای لاتین هر روز افزوده شد. به منظور خنثی کردن این تلاشها، چاوز نیز به لحاظ تاکتیکی و استراتژیکی، هم در زمینه سیاست داخلی و هم بین المللی، برای ایجاد دوستی و اتحاد به تلاشهای همه جانبه ای دست زد. اما از آنجایی که دولت بوش به دلیل جنگ افغانستان و عراق با محدودیتهایی روبرو شده است، نتوانست به طور مستقیم و با خشونت پاسخ این سرکشی را بدهد. بنابراین، او به برانگیختن جنگ و درگیری در مرز بین ونزوئلا و کلمبیا دست زد تا بدین وسیله دولت چاوز را تضعیف کند.

از همین روست که چاوز آماده سازی مردم ونزوئلا را برای رویاری با تهاجم آمریکا تدبیر کرده است.

دولت ونزوئلا در حال حاضر در پنج جبهه برای امنیت خود مبارزه می کند:

۱- سیاسی: تلاش برای پیروزی در انتخابات محلی و پارلمانی در سال ۲۰۰۵ و ریاست جمهوری ۲۰۰۶

۲- اقتصادی: تلاش در جهت تقسیم عادلانه ثروت و جایگزینی روابط سرمایه داری با گزینه های سوسیالیستی، از جمله، انتقال مالکیت صناعی که صاحبان آن فرار کرده اند به کارگران. در سال جاری، چاوز که در فوروم اجتماعی

جهانی شرکت داشت گفت: "کاپیتالیسم باید جایگاه خود را از دست بدهد"

۳- اجتماعی: گسترش برنامه های بهداشت و درمانی (اخیرا ده هزار پزشک کوبایی به این برنامه پیوسته اند)، ایجاد و پیشبرد آموزش و پرورش کاملا مجانی، تلاش در جهت ایجاد کار دایم و تمام وقت، در اختیار گذاشتن مسکن به خانواده ها، استقلال در تولید مواد خوراکی و رساندن آن به دست همه از راه کمک به رشد کشاورزی

۴- جهانی: با پیشبرد روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بویژه با کشورهای آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا

۵- دفاعی: ایجاد ارتشی نیرومند و متحد در صورت حمله آمریکاییها

چاوز در کوبا

اگر چه ایالات متحده آمریکا اخیر بارها نزدیکی ونزوئلا به کوبا را تهدید آمیز خطاب کرده و ادعا نموده است که ونزوئلا با رابطه بیشتر با کوبایی کمونیست، مستبد گشته با این وجود، در ۲۸ آوریل سال جاری، دو رییس جمهور، چاوز و کاسترو، در کوبا دیدار کردند. این ملاقات به منظور گسترش روابط اقتصادی و اتحاد بیشتر در این زمینه، بدون آنکه رهبری آن بدست آمریکا باشد، صورت گرفت. چاوز خطاب به تجاری که حضور داشتند گفت: "ونزوئلا در گذشته مستعمره آمریکا بود. اکنون ما آزاد گشته ایم. حال می توانیم با کشورهای دیگر قراردادهای تجاری امضا کنیم."

کاسترو و چاوز در حضور صدها نفر از مقامات رسمی و تجار، قرارداد گسترش مبادلات تجاری بین دو کشور را امضا کردند. در این قرارداد، بخشی از تعهدات کوبا را آموزش هزاران پزشک جوان آمریکای جنوبی و ایجاد یک شبکه بیمارستانی بین این کشورها در برمی گرفت.

پس از امضای قرارداد مذکور، قرار بر این شد که کوبا مبلغ ۴۱۲ میلیون دلار از ونزوئلا مواد خوراکی، پوشاک و وسایل خانگی، بدون پرداخت حق گمرک و مالیات، خریداری کند.

البته اقدام اخیر دو کشور هنوز مورد استقبال دیگر کشورهای آمریکای لاتین قرار نگرفته است. دوستی با کوبا در حالیکه سالیان دراز تحت تحریمهای اقتصادی آمریکا قرار داشته، اقدام شجاعانه ای به شمار می رود و این شاید ناشی از اعتمادی است که چاوز به حمایت مردم کشورش از خود دارد. واضح است که آمریکا هنوز تمامی متحدان خود را در آمریکای لاتین از دست نداده است. دو کشور مکزیک و شیلی، همزمان با این رویداد، به آمریکا و

تلاشهای آن برای ایجاد روابط تجاری و آزاد بین ۳۴ کشور (FTTA) که البته به رهبری آمریکا می باشد، پاسخ مثبت داده اند. این در حالی است که لولا، رییس جمهور برزیل، مخالفت خود را با (FTTA) اعلام کرده است.

مکزیک، دور تر اما نزدیک

از دیگر رویدادهای قابل توجه در آمریکای لاتین که زاویه دیگری از تکامل جبهه مردمی در این منطقه را نشانگر است، تظاهراتی بود که در ماه آوریل در مکزیک صورت گرفت. بیش از یک و نیم میلیون تن از کارگران، روستاییان، دانش آموزان و مردم طبقه متوسط، از دورترین نقاط این کشور در تظاهراتی که به حمایت از شهردار شهر مکزیک برپا شده بود، نزدیک به ۷ کیلومتر راهپیمایی کردند. این راهپیمایی در اعتراض به حذف مصونیت سیاسی اندر برادور توسط دولت فاکس صورت گرفت. تظاهرات که قرار بود به شکل "اعتراض خاموش" انجام شود، با فریاد و سر دادن شعار توسط عده زیادی از راهپیمایان همراه شد. اگرچه سازماندهی این تظاهرات از جانب حزب متعلق به ارویدار، به نام حزب انقلاب دمکراتیک که بخش از آنان طرفداران سابق فاکس هستند، صورت گرفت اما انقلابیون حزب مدافع قانون اساسی و همچنین اتحادیه های کارگری، کارگران نیروگاه های هسته ای، کارگران نفت، کارگران برق و کارمندان دولتی نیز در دخالت داشتند. این تظاهرات سرانجام به پیروزی آنان انجامید و رییس جمهور این کشور اعلام کرد که "ابراهیم طوفان زا" به کنار رفته اند. بدین روست که برای انتخابات سال ۲۰۰۶، کاندیداتوری اوریدار برای تصاحب کرسی ریاست جمهوری حتمی خواهد گشت.

این رویداد بیش از هر چه نشانگر شکافی است که بین طبقه حاکمه وجود دارد و شکندگی سیستم سیاسی این کشور را به نمایش می گذارد. فاکس در مراسم عزاداری پاپ در رم، محکومیت اوریدار را "روزی تاریخی" خواند اما شش روز بعد و پس از تظاهرات بزرگی که صورت گرفت، سخنگوی او اعلام کرد که رییس جمهور او را عفو کرده است. این در حالی است که حزب متعلق به اریدار نیز از خروش واقعی مردم در هراس است و بهمین دلیل هم خواستار تظاهرات آرام شده بود. جنبه مثبت تظاهرات دو میلیونی مردم مکزیک آن است که موج تازه ای طبقه متوسط این کشور را به سوی خواسته هایی که همسایگان آنان در چند قدمی خود دارند، سوق می دهد.

چند روایت از مشارکت

حداکثری کاندیدها

منصور امان کارگزاران جمهوری اسلامی هنوز تصمیم نگرفته اند ثبت نام بیش از هزار نامزد ریاست جمهوری را چگونه تفسیر کنند. سخنگوی شورای نگهبان با برآشتگی از به تمسخر گرفته شدن عمدهی جایگاه ریاست جمهوری شکایت کرده و از اینکه "اسباب تحقیر و تضعیف نظام ما" فراهم شده به فغان آمده است. برعکس پاسدار رضایی، با سلیبی "بیست و پنج سال آزادی و دموکراسی" صورت خود را سرخ نگه داشته و در حالیکه به نظر می رسد از شدت ضربه به وجد آمده باشد، یک گام فراتر نهاده و خواهان "نقش پیدا کردن احزاب" شده است.

از سوی دیگر، یک عضو فراکسیون باند ولایت در مجلس ملاها، وزارت کشور را مسوول دانسته و مشارکت حداکثری نامزدها را نتیجه "بی تدبیری مجریان انتخابات" معرفی کرده است. در مقابل، رییس هیات نظارت بر انتخابات استان کرمان نمی تواند با این توضیح موافق باشد و مایل است علتهایی که خود کشف کرده را به آگاهی برساند: "اول آزادی عملی است که در کشور وجود دارد که خود بیانگر وجود دموکراسی است و دوم اشکالی است که در قانون وجود دارد."

نکته آخر، موضوعی است که خبرگزاری دولتی ایسنا چند حقوقدان را برای بحث پیرامون آن به مصاحبه گرفته است و احتمال می رود، نامزد - درمانی جمهوری اسلامی گرد آن متمرکز شود. از این رو، چالش بعدی قانونگذاران ام القراء، چگونگی گسترش احراز صلاحیتهای از پس از نامزدی به پیش از آن خواهد بود. امری که می بایست با اختراع و افزودن چند معیار دیگر بر ممنوعیتهای موجود همراه گردد.

اگر عمر آقای غلامحسین الهام تا آن هنگام کفاف دهد، روی صحنه رفتن یک فکاهه "تحقیر و تضعیف نظام" با ویرایش جدید در انتخابات بعدی تضمین شده است.

۲۶ اردیبهشت ۸۴

توسعه طلبی امپریالیسم و شیوه های آن

جعفر پویه

به نظر می رسد که سیاستمداران جنگ افروز حاکم بر کاخ سفید، پس از جمع‌بندی نتایج بگیر و ببند خود در عراق و افغانستان به این نتیجه رسیده اند که برای برقراری نظم مورد نظرشان و حاکم کردن دولتهای مُردور با تیر و تفنگ، چندان موفق نبوده اند. تداوم درگیریهایی در عراق و چشم پوشی بر حضور طالبان در افغانستان، نشانه‌های این عدم موفقیت است. در پهنه داخلی نیز آنان پاسخی دندانگیر برای مردمی که به جنگ مُعرض اند ندارند. اگر فروری بزرگ برجهای سازمان تجارت جهانی این گزک را به آمریکاییها داد تا حمله به افغانستان را با توجیه حمله به تروریستها شروع کنند اما عدم وجود سلاحهای کشتار جمعی که بهانه حمله به عراق بود، آنها را با یک گره بزرگ روبرو کرده است. به همین دلیل است که دستگاه دیپلماسی آمریکایی به کار افتاده است تا راه چاره دیگری را برای حل بحرانهای منطقه جستجو کند. هرچند جنگ ادامه سیاست است به شیوه ای دیگر اما مُشت آهنین امپریالیسم در پهنه سیاسی و در پُست میزهای مذاکره، همچنان با تحکم سیاستهای خود را حَقنه کرده و با زور دیگران را وادار به پذیرش سیاستهای خود می نماید. به همین دلیل دیپلماتهای آنها در برابر مقاومت مردم راههایی را می جویند تا بتوانند بوسیله افسادهای معترض را خاموش و پادویی جدید و سرکوبگر برای خود دست و پا کنند.

در خبرها آمده بود که رامسفلد در سفری به عراق با صدام ملاقات کرده و از او خواسته است، در ازای کمک به آمریکا برای بازگرداندن آرامش به عراق، آزادی خود را باز یابد و صدام این پیشنهاد رامسفلد را رد کرده است. هرچند سخنگوی کاخ سفید چند روز بعد خبر این ملاقات را تکذیب کرد و آنرا از پایه بی اساس خواند اما اگر نتیجه این دیدار به نفع کاخ سفید بود، بازهم این خبر دروغ خوانده می شد؟ در همین راستا، چند روز بعد، صیغت الله مجددی، رییس کمیسیون ملی تحکیم صلح افغانستان از ملامعمر، رهبر طالبان و حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان تقاضا کرد که به افغانستان باز گردند و در روند صلح در این کشور شرکت کنند. او گفت، در این مورد حکومت (بخوان آمریکا) به او اختیار کامل داده است. چندی قبل نیز حامد کرزای، حاکم دست نشاندۀ آمریکا در افغانستان، از طالبان خواسته بود که با تشکیل یک حزب سیاسی به صحنه سیاست افغانستان باز گردد. عدم نتیجه بخشی مذاکرات رامسفلد و صدام، متجاوزین را وادار کرده است تا در این موارد از عناصر دست دوم و گماشته های شناخته شده استفاده کنند

تا در صورت لزوم بتوانند دیوار حاشا را هر چه بلند تر برپا کنند. درست یا غلط بودن خبر ملاقات با صدام و وعده به او و یا پیغام و پَسغام فرستادن برای ملامعمر و حکمتیار، نشان از عدم موفقیت ارتشهای متجاوزگر دارد و آنان برای خلاصی از وضعیت موجود هر راهی را آزمایش می کنند. آمریکا و هم پیمانانش که فکر می کردند با حمله برق آسا و اشغال سریع می توانند کشوری را تصاحب کنند و سپس با قتل و کشتار و نشان دادن ضرب شست مخالفان را نیز سر جای خود بنشانند، با طولانی شدن درگیریها و مقاومت همه جانبه مردم در مقابل آنان، با بن بست روبرو شده اند که آنان را ناچار به جستجوی راه چاره در میان حاکمان گذشته و دشمنان سابق کرده است. گرایش آمریکا و پادوهای محلی آنان به طالبان و درخواست کمک از آنها نشان از ناتوانی نظامیان و گماشته‌گانشان دارد. پیشنهاد آزادی به صدام برای سرکوب مقاومت مردم عراق را نیز در همین راستا می توان ارزیابی کرد. آمریکا و همدستان متجاوزش مقاومت مردم را باور ندارند و نمی خواهند بپذیرند که راه رابطه با یک کشور، به رسمیت شناسی استقلال آن و احترام به حقوق ملی مردم آن کشور است. این مشکلی است که پاسخ آن را زورگویان مسلح به اسلحه های مدرن نمی دانند زیرا آنان مردم را برده هایی مطیع می خواهند و در این کار تاکنون ناموفق بوده اند.

همزمان با این چالشها، جرج بوش، رییس جمهور جنگ طلب آمریکا در سالگرد پایان جنگ جهانی دوم راهی اروپا می شود و از آنجا به مستعمرات جدید و کشورهای تازه فتح شده اما از نوعی دیگر نیز سرکشی می کند. او در این سفر در هلند از گور سربازان آمریکایی که در جنوب هلند مدفون هستند، دیدار کرد. بوش با این عمل می خواهد بگوید که ارتش متجاوزگر آمریکای امروزی، ارتشی آزادیبخش است که سالها بعد مردم از آنها قدردانی خواهند کرد. او مقاومت مردم در برابر فاشیسم را با تجاوز به کشوری دیگر یکی می داند. او باید بداند که ارتش هیتلری متجاوزگر بود و بخش اعظم مردم اروپا در مقابل متجاوز مقاومت کرده اند. همان کاری که امروز مردم در برابر ارتش متجاوزگر آمریکا انجام می دهند. پیام حضور او در هلند کشور هم پیمانانش، برای توجیه سیاستهای جنگ طلبانه، با مخالفت مردم روبرو شد. هنگام حضور بوش در هلند، مردم نه تنها از او استقبال نکردند بلکه، با شرکت در تظاهرات وسیع خیابانی علیه دولت او و سیاستهای جنگ طلبانه اش

و علیه دولتهای هم پیمانانش منجمله دولت هلند به اعتراض برخاستند. آنها به این وسیله به او فهماندند که تفاوت بین مقاومت و تجاوز را به خوبی می دانند.

سخنرانی بوش در یک صحنه ی دیگر و در میدان مرکزی شهر تفلیس برای تجمع کنندگان حرفه ای نشان می دهد که سیاستهای توسعه طلبانه آمریکا از هر طریق ممکن حتماً به شیوه انقلاب مخملین نیز انجام پذیر است. تنها تمایز میان رویدادهای گرجستان و افغانستان، میزان هزینه ای است که ایالات متحده در این دو کشور برای هموار کردن راه جهانی سازی به شیوه آمریکایی صرف کرده است. ساکا شویلی و دارودسته او که مجریان سیاستهای مراکز قدرت در ینگه دنیا هستند، هموار کنندگان راهی هستند که در صورت عدم موفقیت باید بوسیله ژنرالهای چند ستاره و قدرت بمبهای چند تنی هواپیماهای غول پیکر انجام می شد. عمده های قدرت و تجاوز، با رشوه و وعده و وعید مردم را به خیابانها کشانده اند تا برای حضور کمپانیهای غارتگر هورا بکشند. همان کاری که سالها قبل در ۲۸ مرداد، شعبان بی مُخ و پروین آزادان قزی در تهران کردند و زمینه را برای غارت ۲۵ ساله مردم فراهم کردند. هرچند بین مصدق و شواردنازه تفاوت بسیار است اما گویی در طول این همه سال، سیاست اجیر کردن قلعچماقها برای پیشبرد اهداف سیاسی هیچ تفاوتی نکرده است.

به کارگیری نیروی نظامی گرجستان برای کمک به ارتش آمریکا در عراق و افغانستان، مشابه حضور نظامیان ایران در ویتنام و کره و همچنین سرکوب مردم ظفار بوسیله ارتش شاهنشاهی مُردور آمریکا است. بی دلیل نیست که بوش از حمایت نظامی تفلیس از ارتش آمریکا در عراق و پنج برابر کردن تعداد نظامیانش تشکر می کند. بوش طی سخنرانی در میدان تفلیس، انقلاب مخملی گرجستان را با اعمال انجام شده در اوکراین، لبنان و عراق مشابه خواند. او "انقلاب گل سرخ" در گرجستان را با اشغال عراق تحت نام "انقلاب ارغوانی" یکی دانست. حال چرا حمله نظامی به عراق و اشغال آن "انقلاب ارغوانی" نامیده می شود، باید اهداف پنهان شده در پس این تجاوزات را بهتر دید. گسترش سیاستهای آمریکا و تصاحب میدانهای عظیم نفتی برای نظم نوین از انچنان درجه اهمیتی برخوردار است که توجهی به هزینه انسانی این اعمال نمی شود. پیشبرد سیاست به هر قیمت، شعار مجریان نظم نوین است، چه با انقلابات

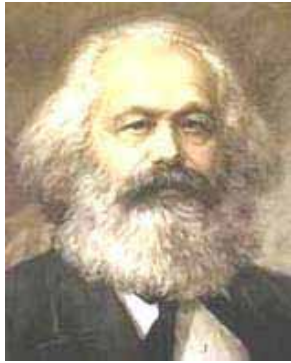
مخملین با رنگهای متفاوت، چه با زور سربازان مُردور اجیر شده از چهار گوشه دنیا. نقش مُردورها هم مشخص است، اعمال سیاستهای ارباب بزرگ؛ چه با تظاهرات خیابانی و تصاحب حکومت با زور افراد اجیر شده، چه با نیروهای نظامی از همان جنس. در منطقه آسیای میانه آمریکا تلاش می کند تا با تکه پاره کردن روسیه و جدا کردن هم پیمانان سابق اش، آنرا در انزوا قرار دهد و با کُنج رینگ قرار دادن حریف سابق، راه فروپاشی آنرا تا انتها ببیماید ولی کشورهای آسیای میانه به جز منابع غنی و دست نخورده معدنی چیزی ندارند که برای آمریکاییها دندانگیر باشد. به همین دلیل، سیاست حاکمان جدید نه آزادی و دموکراسی بلکه، باز گذاشتن دست کمپانیهای چند ملیتی برای غارت منابع ملی این کشورهاست. در این راستا نصیب مردم تنها فقر بیشتر و سرکوب پلیسی خواهد شد.

آنانی که از امثال شعبان بی مُخها انتظار آزادی دارند باید بدانند که هنر او تنها برپایی طاق نصرت و دریافت مبلغی به عنوان عنایت ملوکانه بود. چایپلوسان و امیران امپریالیسم از فقر مردم سوو استفاده کرده و با دادن وعده های واهی آنان را وادار به حمایت از سیاستی می کنند که در چشم انداز آن چیزی جز سیه روزی دیده نمی شود. واگیر کردن تب انقلاب مخملین به وسیله پادوهای گوش به فرمان و جایگزین کردن آن به جای انقلاب مردمی، هدفی است که امپریالیسم دنبال می کند. در راستای گسترش این سیاست، حرافان و اجیرشدگان خوش سخن، آگاهانه انقلاب مردم را معادل قتل و کشتار می نامند و آنان را از عواقب به دست گیری ابتکار عمل توسط خودشان می ترسانند. این پادوها گرگهای درنده و غارتگر را لباس چوپان پوشانده و سعی می کنند آنها را با عنوان ناجی به مردم غالب کنند. اگر اینان مردمی که تحت حاکمیت مستبدین به جان آمده اند را نا آگاه فرض کرده اند، با تاریخ که شاهد گویای رسوایی این دلکچهای مُردور است، چه خواهند کرد.

همه وحشت امپریالیستها و مُردورانسان از به میدان آمدن مردم و به دست گیری ابتکار عمل توسط آنان است. به همین دلیل، انقلاب مخملی و یا پروژه های از قبل طراحی شده آنان برای بدست گرفتن قدرت تنها راه حل قلمداد می شود. حمایت بوش به عنوان سردسته غارتگران از گسترش انقلاب مخملین از تریبون مُردورانش در گرجستان، هشدار به کسانی است که اعمال سیاست و گوناگونی آنرا فراموش کرده اند.

چکیده ای از زندگی کارل مارکس، پایه گذار سوسیالیسم علمی به مناسبت سالروز تولد وی

گردآوری: الف - آناهیتا



آلمان تبعید گردید و مجدداً به پاریس آمد. از آنجا نیز پس از تظاهرات ۱۳ ژوئن ۱۸۴۹ تبعید شد و ناگزیر به لندن رفت و بقیه عمر را در آن شهر گذراند. از نامه هایی که بین مارکس و انگلس مبادله شده است و در سال ۱۹۱۲ به صورت مجموعه ای انتشار یافت، به خوبی می توان به شرایط بسیار سخت زندگی مارکس در مدت این تبعید طولانی پی بُرد. اگر کمکهای مالی دوست صمیمی چون انگلس نبود، به احتمال قوی مارکس موفق به نوشتن کتاب سرمایه نمی شد و مطالعات پُر بهایی که موجب چنان انقلاب عظیمی در علم اقتصاد گردید، از وی به یادگار نمی ماند.

کتاب «نقد اقتصاد سیاسی» که در سال ۱۸۵۹ انتشار یافت، برای اولین بار نظریات اقتصادی مارکس را در معرض افکار عمومی قرار داد. هشت سال بعد جلد اول کتاب سرمایه که در حقیقت چکیده مطالعات اقتصادی و اجتماعی وی بود منتشر شد. با انتشار کتاب سرمایه، دور جدیدی از علم اقتصاد آغاز می شود. مارکس در این کتاب، مناسبات تولیدی و سیر تکاملی اجتماع سرمایه داری را با قدرتی بی مانند تحت مطالعه قرار داده و تحلیل می کند و چنانکه خود در مقدمه کتاب متذکر شده است «قانون اقتصادی تکامل اجتماع جدید را» از پرده بیرون می اندازد.

مارکس با وجود اشتغال علمی طاقت فرسا، از فعالیتهای سیاسی غافل نبود. در پایان سال ۱۸۶۴ یعنی هنگامی که غرق مطالعات اقتصادی خویش بود، به تاسیس اتحادیه بین المللی کارگران (که در تاریخ جنبش کارگری به بین الملل اول معروف است) همت گماشت. خطابه ای که به مناسبت گشایش بین الملل تنظیم گردید و همچنین بسیاری از اعلامیه ها و قطع نامه ها به انشا شخص اوست. لنین در مقاله معروفی که برای فرهنگنامه روس تحت عنوان «کارل مارکس» نوشته است (۱۹۱۴)، چنین اظهار عقیده می کند: «مارکس در ضمن کوشش برای متشکل کردن جنبشهای کارگری کشورهای مختلف و در همان حال که سعی می کرد، اشکال متنوع سوسیالیسم غیر کارگری ماقبل مارکسیسم (از قبیل عقاید مازینی، پرودون، باکونین و

تریدیونیونسم لیبرال انگلیس و نوسانات طرفداران لاسال در آلمان و غیره) را به راه واحدی بکشاند و در حالی که با کلیه این دسته ها و این مکتبها به مبارزه برخاسته بود، تاکتیک واحدی برای مبارزه کارگری طبقه زحمتکش کشورهای مختلف آماده و پرداخت نمود.»

بین الملل کارگری پس از سقوط کمون پاریس (۱۸۷۱) و انشعاب طرفداران باکونین دچار ضعف گردید و

چون دوام آن در اروپا میسر نبود، پس از کنگره لاهه (۱۸۷۲)، شورای عمومی آن به نیویورک انتقال داده شد و بدین طریق وظیفه بین الملل اول خاتمه یافت.

فعالیت فوق العاده علمی و مبارزه پی در پی سیاسی و همچنین دشواریهای زندگی، به تدریج مارکس را ناتوان کرده و مرگ وی مجال نداد که یادداشتهای و اسناد پُربهایی که برای تکمیل کتاب سرمایه تهیه کرده بود، تنظیم نموده و انتشار دهد. (۱)

کارل مارکس به لحاظ فکری و علمی پدیده ای فوق العاده شگفت انگیز بود. بنا به گفته مک لادن، مارکس به هفت زبان زنده جهان اشراف کامل داشت، وی در سن ۲۳ سالگی تز دکترای خود را درباره فلسفه ایپیکور به پایان رساند و به اخذ دکترای فلسفه نایل آمد. لویس کوزو اذعان دارد که مارکس بر شانه غولهای فکری عصر خویش ایستاده بود، زیمون ارون، جامعه شناس لیبرال آندیشمنی، مارکس را یک اقتصاددان برجسته، جامعه شناس ممتاز و یک فیلسوف و پیامبر اجتماعی می داند، لویی آلتوسر، جامعه شناس فرانسوی می گوید: «اگر نیوتن قاره ریاضیات را کشف کرد، کارل مارکس قاره تاریخ را فرا روی بشر گشود. هیچ عرصه ای از فلسفه و علوم اجتماعی نیست که از آموزشهای مارکس متاثر نباشد.»

کارل مارکس، پیشوای کبیر کارگران، پایه گذار سوسیالیسم علمی، جزو نادر اندیشمندان است که از خود اثری شگرف و شیاری عمیق بر پهنه تاریخ اندیشه و هستی اجتماعی انسان به جا گذاشتند. به راستی مادر گیتی در هزاره دوم تنها یک تن چون او را زایید و به تاریخ بشر تقدیم نمود.

کارل مارکس، در ۱۴ مارس ۱۸۸۳، دو سال پس از مرگ همسرش ینی فن وستفالن، دیده از جهان فروبست و اکنون این نابغه انسان دوست در گورستان گیت لندن جاودانه آرمیده است؛ اما اندیشه او همچنان در اوج، نوید بخش پیروزی تاریخی انسان بر ستم، خرد بر جهل و کار بر سرمایه است. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

(۱) منبع از کتاب سرمایه اثر کارل مارکس

داد. انتشار این کتاب تاثیر شایانی در افکار عمومی گذاشت، طوری که نظریات پرودون در مقابل قدرت منطق و روش جدیدی که در تحلیل مسایل اقتصادی و اجتماعی به کار رفته بود، تاب نیاورد و به طور محسوسی از نفوذش کاسته شد. مبارزه علیه سوسیالیسم خرده بورژوایی موجب شد که کم کم مارکس و انگلس عقاید فلسفی و اجتماعی خویش را بر پایه های محکمی استوار نمودند. در سالهای ۱۸۴۴ و ۱۸۴۵، آنها به نقد و بررسی فلسفه هگل و لودویک فویر باخ پرداختند و با نظریه ماتریالیسم تاریخی، تئوری سوسیالیسم علمی و تاکتیک انقلابی طبقه کارگر را به طور قطع بنیان نهادند.

در سال ۱۸۴۵ بنا به تقاضای حکومت پروس، مارکس به عنوان یک انقلابی خطرناک از پاریس تبعید شد و ناگزیر در بروکسل سکونت اختیار نمود و در بهار سال ۱۸۴۷ به اتفاق انگلس در حزب مخفی موسوم به «اتحاد کمونیستها» عضویت یافتند و در دومین کنگره این حزب که در لندن (نوامبر ۱۸۴۷) تشکیل گردید، به طور موثر شرکت نمودند. این کنگره نوشتن اعلامیه معروف به «مانیفست حزب کمونیست» را به مارکس و انگلس واگذار نمود. این اعلامیه مهم که در فوریه سال ۱۸۴۸ انتشار یافت، برای اولین بار جهان بینی مارکسیستی را به وضوح و صراحت بیان نمود. مانیفست در عین این که نقش انقلابی طبقه کارگر را در ایجاد دنیای آینده با دقت بی مانندی تشریح می کرد، با بیان اصول علمی ماتریالیسم دیالکتیک و انطباق آن با تحولات اجتماعی، انقلابی در دنیای علم، فلسفه و جامعه شناسی به وجود آورد. مانیفست نه تنها با شعار معروف «رنجبران روی زمین متحد شوید» کلیه زحمتکشان عالم را به مبارزه مداوم و سازمان یافته علیه سیستم سرمایه داری دعوت نمود بلکه، اسلحه علمی و عملی که رنجبران روی زمین را به پیروزی می رساند، به دست آنان سپرد.

پس از انقلاب فوریه ۱۸۴۸، مارکس از بلژیک تبعید شد و به پاریس رفت ولی ماه بعد به آلمان بازگشت و در شهر کلن اقامت گزید. در این شهر به سردبیری مارکس، «روزنامه رزانی جدید» انتشار یافت ولی چیزی نگذشت که ارتجاع بر انقلاب آلمان چیره گشت و مارکس به محاکمه کشیده شد (فوریه ۱۸۴۹). اگر چه مارکس در این محاکمه تبرئه شد ولی در ۱۶ ماه مه ۱۸۴۹ از

کارل مارکس در ۵ ماه مه ۱۸۱۸ در شهر تریر از توابع پروس غربی متولد شد. او تحصیلات متوسطه در دبیرستان همین شهر تمام کرد و برای تحصیل حقوق، تاریخ و فلسفه به دانشگاه بُن و سپس به دانشگاه برلین وارد گردید. در سال ۱۸۴۱، تحصیلات عالی او با رساله ای که درباره ایپیکور نوشت، خاتمه یافت. مارکس که خود را برای اشغال پست استادی دانشگاه بُن آماده می کرد، در پی سیاست ارتجاعی حکومت وقت که امثال لودویک فویر باخ را از تدریس در دانشگاه ممنوع می نمود، از این فکر منصرف شد. در این هنگام، گروهی از عناصر ناراضی بورژوازی آلمان در کولونی، نشریه ای به نام «روزنامه رزانی» برای مخالفت با عملیات ارتجاعی حکومت تاسیس نمودند. مارکس نیز برای همکاری با این روزنامه دعوت شد و چند ماه بعد، سردبیری روزنامه مزبور را عهده دار گردید (اکتبر ۱۸۴۲). مقالات انقلابی مارکس، حکومت را سخت متوحش ساخت به طوری که مارکس به اجبار از سردبیری روزنامه برکنار شد و روزنامه پس از کنار رفتن مارکس نیز توقیف گردید (مارس ۱۸۴۳). در پاییز ۱۸۴۳، مارکس برای تاسیس مجله رادیکالی که قرار بود با مشارکت آرنولد روگه انتشار یابد، به پاریس مسافرت نمود. آرنولد روگه که دارای افکار جناح چپ هگلی بود و سپس از طرفدارن جدی بیسمارک گردید، خیلی سریع با مارکس اختلاف نظر پیدا کرد و سپس در نتیجه این امر، انتشار پنهانی نشریه مزبور در آلمان متوقف گردید.

در سپتامبر ۱۸۴۴، برای نخستین بار بین مارکس و فردریک انگلس که به پاریس آمده بود، ملاقاتی انجام گرفت. این آشنایی به زودی منجر به دوستی بسیار نزدیک و صمیمانه ای گردید. مارکس و انگلس به طور مشترک در عملیات مجامع انقلابی پاریس که در آن زمان با فعالیت بی نظیری کار می کردند، شرکت نمودند. در این هنگام، افکار سوسیالیستی خرده بورژوایی در محافل انقلابی پاریس رونق یافته بود و نهضت کارگری را از مسیر صحیح خویش منحرف می ساخت. در میان این قبیل افکار، نظریات پرودون، سوسیالیست خرده بورژوا و ایده لیست فرانسوی نفوذ فراوانی داشت، به همین سبب مارکس به رد عقاید وی پرداخت و در پاسخ به کتابی که پرودون به نام «فلسفه فقر» تالیف نموده بود، رساله «فقر فلسفه» را در سال ۱۸۴۷ انتشار

زنان در مسیر رهایی

الف. اناهیتا

به قتل رسیدن سه زن، سنگسار
یک زن در افغانستان و سازمان
ملل متحد

بفالو نیوز، ششم می ۲۰۰۵

بعد از خبر پیدا شدن جسد سه زن در خیابانهای ناحیه باقلاں که در ۱۲۰ کیلومتری شهر کابل قرار دارد و سنگسار زنی بیست و نه ساله به نام امینه در ناحیه بدخشان، سازمان ملل در رابطه با رعایت حقوق زنان در کشور افغانستان اعلام خطر کرد. بر اساس این گزارش سه زن مزبور به طور فجیعی قتل از به دار اویخته شدن مورد تجاوز جنسی واقع شده اند و بر روی جسد آنان دست نوشته ای پیدا شده که به همه زنان اعلام می کند که با سازمانها و انجمنهای بین المللی همکاری نکنند.

سازمان ملل این وقایع را تهدیدی برای همه زنان دانست که با سازمانهای غیر دولتی همکاری می کنند و شدیداً این حرکات خشونت آمیز بر علیه زنان را محکوم کرد.

زنان در کشور افغانستان با
برگزاری راهپیمایی به خشونت
علیه زنان اعتراض کردند

خبرگزاری استرالیا، ششم می ۲۰۰۵ بر اساس این گزارش نزدیک به ۲۰۰ زن در شهر کابل پس از سنگسار زن جوانی و پیدا شدن جسد سه زن دیگر در این کشور با برگزاری راهپیمایی به آزار و اذیت زنان اعتراض کردند.

خانم ثریا پارلیکا یکی از شرکت کنندگان در این راهپیمایی گفت: ما خواهان مجازات کسانی هستیم که خواهران ما را در نواحی بدخشان و باقلاں به قتل رسانده اند. وی ادامه داد که این مسأله خرابکاری سیاسی است. ما از دولت می خواهیم که فوراً برای توقف خشونت بر علیه زنان وارد عمل شود.

اعتراض دانشجویان دانشگاه
اوهایو در امریکا نسبت به
خشونت بر علیه زنان

خبرگزاری اوهایو، ششم می ۲۰۰۵ زنان دانشجو در دانشگاه اوهایو در اعتراض به خشونت علیه زنان که از آن به عنوان جنایتی خاموش نام برده شده است، در محیط دانشگاه تجمع کردند. آنان خواستار توقف تجاوز جنسی به زنان و مخصوصاً زنان دانشجو و دیگر آزار و اذیت های فیزیکی، جنسی و روحی شدند. سپس این زنان با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر روی آن نوشته شده بود «خشونت علیه زنان را متوقف کنید» در نواحی بیرون دانشگاه دست به راهپیمایی زدند. بسیاری از این زنان تصویر قربانیان این جنایت خاموش را در دست داشتند. بر اساس این گزارش تعدادی از زنان و مردان در خیابانها با آنان هم صدا شده و بسیاری دیگر از بالکنهای خانه هایشان با تکان دادن دست از آنان، حمایت کرده اند.

روز مادر و مادران کارگر در
امریکا

رویتز، پنج می ۲۰۰۵ به مناسبت روز مادر در کشور امریکا، تعدادی از زنان کارگر با ایجاد تجمعی همراه با فرزندانشان از تصویب قانونی که شرایط محل کار آنان را برای شیر دادن به فرزندانشان آسان تر کند حمایت کردند. حزب دموکرات در تلاش است که لایحه ای را به تصویب برساند که بر اساس این لایحه زنان بتوانند به راحتی در محل کار خود به فرزندان خود شیر بدهند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند. این لایحه برای شرکتهایی که شرایط کاری را برای مادران بهتر کنند، اعتبار مالیاتی قابل خواهد شد. بر اساس این گزارش در صورت تصویب این قانون، لایحه مقابله با تبعیض جنسی در زمان بارداری سال ۱۹۷۸ این کشور بسط داده می شود.

اعتراض به خشونت بر علیه
زنان در آفریقای جنوبی

خبرگزاری استرالیا، پنج می ۲۰۰۵ انجمن دفاع از حقوق بشر در ناحیه کارو واقع در آفریقای جنوبی از تمام سازمانها و انجمنهای مدافع حقوق بشر دعوت به عمل آورده است که با شرکت در کمپین آنها که در راستای اعتراض به خشونت علیه زنان برگزار خواهد

شد، آنان را در این راه مساعدت و حمایت کنند.



ISNA/PHOTO: ALIREZA BOOTABAN

اعتراض به سیاستهای جرج
بوش

رویتز، چهارم می ۲۰۰۵



کمیسیون زنان برای مهاجران در کشور امریکا در طی بیانیه ای به سیاستهای بوش پیرامون مسایل مهاجران اعتراض کرد. در این بیانیه اعلام شده است که جنگ بوش بر علیه ترور و تروریسم به جنگ بر علیه مهاجران در این کشور تبدیل شده است و این موضوع می تواند فضای کشور را بیش از پیش ناامن کند. بر اساس این بیانیه سیاستهای مهاجرتی جرج بوش باعث تشدید بازار کار سیاه و تقویت استفاده از مدارک تقلبی و تشدید استثمار کارگران مهاجر توسط کارفرماها شده است.

این بیانیه خواستار اصلاح وضعیت اقتصادی کشور و دفاع از حقوق مهاجران در این کشور شد.

زنان کویتی سرانجام به حق
رای دست یافتند

لس انجلس تایمز، نوزده می ۲۰۰۵ پارلمان کویت سرانجام به زنان این کشور حق رای اعطا کرد تا برای اولین بار در تاریخ انتخابات این کشور حضور یابند. بعد از چندین سال مبارزه و اعتراض زنان کویتی که آخرین نمونه

ان در ۷ ماه می امسال با برگزاری راهپیمایی در راستای دستیابی به حق رای انجام گردید، پارلمان کویت در تاریخ ۱۶ ماه می با ۳۵ رای موافق در برابر ۲۳ رای مخالف و یک رای ممتنع قانون حق رای به زنان را تصویب کرد. با این حال محافظه کاران بندی به متمم اجازه حق رای و شرکت زنان در انتخابات پارلمانی اضافه کردند که بر اساس آن زنان سیاستمدار و رای دهندگان باید به قوانین اسلامی وفادار بمانند.

تا کنون پنج زن برای کاندید شدن در انتخابات اعلام آمادگی کرده اند. خانم دشتی یکی از کاندیداها ابراز می دارد که «من بر این باورم که امروز برای زنان کویتی یک روز تاریخی است، ما امروز به یک پیروزی دست یافتیم. ما در جنگ بین جهل و آزادی، ارتجاع و ترقی به پیروزی نایل شدیم و از این به بعد زنان کویتی هم می توانند در پارلمان خواسته های خود را عنوان کنند.»

بر اساس گزارش گلف نیوز در تاریخ ۱۸ ماه می امسال زنان عربستان سعودی نیز بعد از شنیدن خبر پیروزی زنان کویتی خواستار حقوقی مشابه خواهران خود در کویت شده اند. در هر صورت زنان کویتی قادر نخواهند بود از این حق به سرعت استفاده کنند و اولین فرصت آنان برای شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷ خواهد بود.

«زنان در جهان با همبستگی و مبارزه مداوم توانسته اند هر چه بیشتر قوانین را به نفع خود تغییر دهند و بدین ترتیب شکاف بین زنان و مردان در جامعه را کمتر و تبعیض جنسی حاکم بر جهان را کم رنگتر کرده اند. آنچه در تاریخ شده و می شود حرف از شدن آنها می زند بنابراین این پیروزی می تواند تأثیر به سزایی در راسخ تر کردن مبارزات زنان در عربستان سعودی باشد که برای رسیدن به حق و حقوقی مشابه مبارزه می کنند. از آنجا که حق و حقوق زنان مجموعه ای به هم پیوسته می باشد، پیروزی زنان در راستای رسیدن به هر گوشه از حق و حقوق خود، پیروزی برای کل جنبش زنان محسوب می شود. این پیروزی به زنان کویتی و همه مدافعان و کوشندگان رفع تبعیض جنسی در جهان مبارک باد.»

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

دریافت جایزه جشنواره فیلم آمریکای لاتین شدند. از سوی دیگر، کارگردانان این دو فیلم، برای دریافت جایزه بهترین کارگردان تنها رقبای یکدیگر شدند. این مراسم به تقدیر از هنرمندان و فیلمهایی می پردازد که در باره آمریکای لاتین و مردم آن ساخته شده است. دو فیلم دیگر به نامهای "ماریای سرشار از برکت" و "نیکوتینا" نیز از دیگر فیلمهایی با ارزشی هستند که نامزد دریافت جایزه شدند.

جشنواره فیلم سانفرانسیسکو

جشنواره فیلم سان فرانسیسکو در روزهای ۲۱ آوریل تا ۵ مه برگزار شد. از چشمگیرترین فیلمهای این جشنواره، فیلم "جاده شنی" ساخته دی پاک کوماران، کارگردان جوانی از مالزی بود. بازیگران این فیلم از مردم عادی بودند و همین ویژه گی فیلم را مستند و طبیعی کرده بود.

فیلم جاده شنی به زندگی آن عده از اهالی هندی می پردازد که در سال ۱۹۴۰



توسط انگلیسیها برای انجام کارهای زراعی به مالزی آورده شدند. به همین صورت، چینیهایی نیز برای کار در معادن قلع به این منطقه کوچ داده شدند. بعدها، در حالیکه چینیهایی قدرت اقتصادی این کشور و مالزیها قدرت سیاسی را به دست آوردند اما بیشترین آثار منفی اقتصادی نصیب هندیها شد. این فیلم تحت عنوان "فیلمی هندی بدون رقص و آواز" معرفی و تبلیغ شده است. فیلم جاده شنی "حکایتی است از زندگی سخت زنان در این دوره."

مارلون براندو

قرار است که در ۲۰ ژوئن سال جاری، بیش از ۲۵۰ قطعه از وسایل شخصی مارلون براندو، هنرپیشه ای که آوازه و محبوبیت جهانی دارد، به فروش برسد. از جمله وسایل او برای فروش، نسخه ای از فیلمنامه "پدر خوانده" است که خود او بر آن حاشیه نوشته است. جایزه "بفتا" که به خاطر بازی در فیلم "ژولوس سزار" و نامه ای از مارتین لوتر کینگ که اعلام کرده بود، براندو در یک راهپیمایی برای کسب حقوق عادلانه مردمی می خواهد شرکت کند و همچنین کتابهای مدرسه او، سند

بزرگداشت باب دیلین

اخیرا همشهریان آهنگساز، نوازنده،



ترانه سرا و خواننده مشهور و محبوب ایرلندی، باب دیلین، تصمیم به برگزاری بزرگداشت این هنرمند با ارزش در شهر زادگاه او گرفته اند. باب دیلین همواره ترانه های خود را در اعتراض به ناهنجاریها و بی عدالتیهای اجتماعی سراییده است. برگزار کنندگان این مراسم گفته اند که قصد دارند، بزرگداشت دیلین را همزمان با تولد ۶۰ سالگی او برپا کرده و همه ساله این روز را جشن بگیرند. آنها همچنین تصمیم دارند، میدان هفتم شهر زادگاه او، هیبنگ، را به نام دیلین نامگذاری کنند.

آثار هنرمند کلمبیایی

فرناندو بوترو، نقاش و هنرمند معروف کلمبیایی، در آخرین آثار خود زندانیان عراقی که بدست سربازان آمریکایی مورد شکنجه قرار گرفته اند را به تصویر کشیده است. این تصاویر در مقایسه با کارهای پیشین او که بیشتر پرتره و تصاویر زنده دیگر است، بسیار متفاوت است. او می گوید: "من هم مانند بسیاری شیدیدا از تحقیر و شکنجه زندانیان عراقی متاثر شدم و خواستم نفرت انگیز بودن این عمل را به تصویر بکشم." آثار جدید این هنرمند که در بسیاری از موزه های هنر مدرن جهان دیده می شود، قرار است در رم و سپس آلمان به نمایش گذاشته شده و در سال ۲۰۰۶ به آمریکا آورده شود.

اهمیت این آثار هنری را می توان در این واقعیت یافت که همواره و برای نسلهای و احتمالا تا به ابد جنایاتی را به یاد خواهد آورد که به دست سربازان آمریکایی در عراق صورت گرفت.

جشنواره فیلم آمریکای لاتین

دو فیلم "خاطرات موتور سیکلت" که زندگی ارنستو چه گوارای جوان را به تصویر کشیده و "اسپانگلس"، نامزد

گذاشته شد. فیلم "دایره" به کارگردانی جعفر پناهی و "۲۰ انگشت" اثر مانیا اکبری، دو فیلمی هستند که به مناسبت بزرگداشت عباس کیا رستمی به نمایش درآمدند.

فیلم "دایره"، ساخته "جعفر پناهی"، درباره مشکلات گروهی از زنان در جامعه ایران است و "۲۰ انگشت" اثر "مانیا اکبری"، از شاگردان کیارستمی هم نگاهی متفاوت به روابط زنان و مردان دارد. این دو فیلم پس از نمایش فیلم مستندی از سینمای ایران به نمایش گذاشته شد.

قابل ذکر است که این شبکه به طور معمول آثار خارجی متفاوت با سینمای غرب را پس از نیمه شب به نمایش می گذارد و به طبع شمار کمتری از علاقه مندان این نوع سینما موفق به دیدن فیلمها می شوند.

فروش سهام تلویزیون الجزیره

به خانواده صدام حسین

بنا به گفته تلویزیون عراق، همسر و دو دختر صدام، ۵۵ درصد از سهام تلویزیون الجزیره قطر را خریدند. البته در این خبر توضیحی از چگونگی بستن چنین قراردادی داده نشده است. گزارشات دیگر نیز در گذشته ادعا کرده بودند که برخی از سهامداران در واشنگتن، سهام این تلویزیون را خریداری کرده اند.

جای تعجب نخواهد بود اگر این تنها یک خبر سازی باشد تا واقعیت، زیرا اکنون بسیاری در سراسر جهان برای کسب آگاهی از واقعیتهای نهفته مربوط به خاورمیانه به خبرگزاری الجزیره مراجعه می کنند.

چند خبر از سایت هادی

خرسندی

- خبر قضایی هنوز به ملت ایران تفهیم اتهام نشده است

- خبر انتخاباتی

کارگر یا محافظه کار؟ در انگلیس به کی رای دادی؟ به تونی بلر

در انتخابات ایران به کی رای خواهی داد؟ بازهم به تونی بلر!

- خبر صنعتی

همیشه از تکنولوژی عقب بوده ایم. روزی که حاکم یزد دهان فرخی یزدی را با نخ و سوزن دوخت، صد سال از اختراع چرخ خیاطی گذشته بود.

- خبر سیاسی

هرکس حق دارد احمق باشد اما پزیدنت خاتمی دارد از این حق خودش سواستفاده می کند.

نامزدی اسکار براندو در سال ۱۹۴۵ برای بازی در فیلم "بارانداز" و لباس مخمل مشکی برای بازی در سوپرمن، از جمله وسایلی هستند که به معرض فروش گذاشته شده اند. براندو در سالهای بازیگری خود، سینمای جهان را به سطح بالایی تکامل داد اما هیچکس نتوانست به او شانه بساید. او در سن ۸۰ سالگی از جهان رفت.

قانون حذف بودجه فیلمهای بین

المللی در آلمان

احتمال می رود که بزودی دولت گرهارد شرودر، صدر اعظم آلمان، قانونی را برای تصویب ارایه دهد که بر مبنای آن، یک منبع عمده تامین بودجه فیلمهای بین المللی حذف خواهد شد.

نشریه "هالیوود ریپورتر" در این باره نوشته است، در صورت تصویب این قانون توسط "بوندس رات" - بالاترین نهاد قانون گذاری قوه مقننه آلمان - تولیدکنندگان فیلم منبع عمده تامین بودجه خود را از دست بدهند.

تئاتری کوتاه برای راهی دور

تئاتر ۶۰ دقیقه ای به نام "طوفان شن"، از تاریخ ۱۷ مارس تا ۱۴ مه در هالیوود کالیفرنیا به نمایش گذاشته شد. این نمایشنامه توسط شان هیوز، افسر سابق نیروی دریایی آمریکا و سرباز "عملیات آزاد گردانی عراق" نوشته شده و دیوید فوفی آنرا کارگردانی کرده است. این نمایشنامه شامل ده بخش می باشد که در آنها، سربازان بازگشته آمریکایی از عراق، سرگذشت خود را حکایت می کنند.

"طوفان شن" با وجود کوتاهی، به بلند ترین و عمیق ترین آثار جنگی دست یافته است. این نمایشنامه، تماشایی را شاهد کارهای سخت، کثیف و خشونت باری که جوانان آمریکایی، مرد و زن، برای طبقه فرادست آمریکا انجام داده اند، می کند. تماشایی نه در جریان جنگ بلکه اثرات آن پس از جنگ قرار می گیرد. گویندگان داستان، ساده و صادقانه چشم و گوش تماشایی را به حقایق پشت پرده باز می کنند. یک منتقد هنری در این باره می گوید: "در این فضای تیره و تاریک، این نمایشنامه مانند وزش نسیم هوای تازه است." او می افزاید: "ما باید به ارزشهای خود به طور روشن و واضح نگاه کنیم و آنها را بسنجیم تا بتوانیم درک کنیم چرا این اتفاقات رخ داده و ما در برابر آن باید چه کار کنیم."

دو فیلم ایرانی در تلویزیون بی

بی سی

در ماه مه سال جاری، دو فیلم ایرانی در تلویزیون بی بی سی به نمایش

اطلاعیه کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران در باره گزارش دیدبان حقوق بشر

پنج شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ - ۱۹
می ۲۰۰۵

روز گذشته دیده‌بان حقوق بشر با انتشار گزارشی تحت نام «خروج ممنوع، نقض حقوق بشر در کمپهای سازمان مجاهدین خلق»، سازمان مجاهدین خلق ایران، عضو ائتلاف شورای ملی مقاومت ایران را به بدرفتاری با اعضای متهم نمود. در همین رابطه جو اسنورک، مسئول بخش خاورمیانه دیده‌بان حقوق بشر ادعا کرد: «اعضایی که قصد ترک سازمان را داشته باشند، بهای سنگینی می‌پردازند». در این گزارش به اظهارات شماری از عوامل وزارت اطلاعات رژیم ملایان که خود را عضو سابق مجاهدین معرفی می‌کنند، استناد شده است. آنها مدعی شده‌اند توسط سازمان مجاهدین زندانی و مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند. اما هیچ شواهدی برای دعوی خود ارائه نکرده‌اند. این گزارش چه از نظر پرسود و نحوه تهیه و منابع و چه از نظر محتوا یک اسکاندل برای دیده‌بان حقوق بشر است. بخلاف متد شناخته‌شده همه سازمانهای حقوق بشری این سازمان برای تهیه این گزارش حتی یک سؤال از سازمان مجاهدین خلق ایران نکرده است. چیزی که بخوبی از اهداف سیاسی آن پرده برمی‌دارد.

۱. سازمان مجاهدین خلق ایران دعوی مطرح شده توسط دیده‌بان حقوق بشر را قویا تکذیب می‌کند. این اتهامات بمثابه چراغ‌سبزی به رژیم ملایان برای اعدام و سرکوب بیشتر مجاهدین در داخل ایران می‌باشد.

۲. ۱۱ سال پیش نیز دیده‌بان در اکتبر ۱۹۹۴ در یک زدویند آشکار با رژیم آخوندی، اتهامات مشابهی علیه مقاومت ایران وارد کرد. آقای مسعود رجوی پزیدنت شورای ملی مقاومت طی نامه‌ای به تاریخ ۲۸ اکتبر ۹۴ از دیده‌بان دعوت کرد که نمایندگانش را برای بازدید از قرارگاههای مجاهدین در خاک عراق اعزام نماید. اما دیده‌بان که مساله‌اش رعایت حقوق بشر توسط مجاهدین نبود، هیچگاه به این دعوت پاسخ نداد. اتهامات دیده‌بان در آن سال با انزجار سازمانها و شخصیتهای مدافع حقوق بشر بویژه گروه حقوق بشر پارلمان اروپا مواجه شد.

۳. دیده‌بان حقوق بشر برخلاف همه نرمهای شناخته شده بین‌المللی و شیوه‌های گزارشگران سازمان ملل که در مورد هر اتهامی قبل از انتشار، به

طرفهای ذیربط فرصت پاسخگویی می‌دهند، هیچ یک از اتهامات مربوطه را با مجاهدین در میان نگذاشته است. در حالیکه برای دیده‌بان حقوق بشر دسترسی به مجاهدین در قرارگاه اشرف در عراق و یا دست کم دسترسی به شورای ملی مقاومت در پاریس بسیار ساده بود. گزارش بخوبی روشن می‌سازد که هیچ تلاشی نیز برای تدقیق دعوی مطرح شده علیه مجاهدین صورت نگرفته است.

۴. این گزارش تماما متکی بر دعوی افواهی و بدون سند ۱۲ تن از عوامل رژیم ملایان است که خود را اعضای سابق مجاهدین معرفی می‌کنند. در این گزارش اذعان شده است که مصاحبه با این افراد تماما از طریق تلفن و در یک فاصله کوتاه یعنی فوریه تا مه ۲۰۰۵ صورت گرفته است. با اینحال در این گزارش نتیجه‌گیری شده است: «این شاهدین ادعاهای موقتی درباره حبس و شکنجه‌های روحی و جسمی که بخاطر انتقاد از سیاستهای سازمان یا ابراز تمایل به ترک کمپهای نظامی متحمل شده بودند، مطرح نمودند». مشخص نیست که دیده‌بان چگونه دعوی تلفنی این افراد را آنهم در مورد شکنجه‌های جسمی مورد تحقیق و تدقیق قرار داده است و اصلا چگونه این افراد را احراز هویت کرده است؟ بخصوص که چندین مورد از این مصاحبه‌های تلفنی در روز عمه یعنی ۱۲ روز قبل از انتشار این گزارش به ۴ زبان انگلیسی، فرانسه، عربی و فارسی انجام شده است.

۵. گزارش دیده‌بان حقوق بشر در حقیقت یک ادعای نامعتمد و کمپین سیاسی علیه مقاومت ایران است و به تنها چیزی که شباهت ندارد یک تحقیق حقوق بشری است. اطلاعیه رییس بخش خاورمیانه این سازمان پیرامون انتشار گزارش، اهدافش را بخوبی برملا می‌کند. اطلاعیه با اشاره به گسترش حمایت از مجاهدین در آمریکا و درخواست خارج کردن نام مجاهدین از لیست سازمانهای تروریستی توسط نمایندگان کنگره و شخصیتهای سیاسی آمریکا، می‌نویسد: "دولت ایران سوابق هولناکی در زمینه حقوق بشر دارد... اما این اشتباه بسیار بزرگی است که از یک گروه مخالف که مسئول نقض جدی حقوق بشر می‌باشد، حمایت نمود". این اظهارات یک موضعگیری واضح سیاسی در توجیه نگهداشتن مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی می‌باشد. مخدوش کردن چهره اپوزیسیون اصلی ملایان یک تاکتیک شناخته شده برای توجیه سیاست ماشاات در قبال دیکتاتوری مذهبی تروریستی حاکم بر ایران از سوی حامیان این سیاست می‌باشد. آنها چون نمی‌توانند مستقیما از پرونده سراسر جنایت ملایان دفاع کنند، تلاش می‌کنند با بی اعتبار

کردن آلترناتیو مشروع این رژیم، سازش با ملایان را بعنوان یک واقعیت غیر قابل انکار تحمیل نمایند. عدد تاریخ ۲۵ اسفند ۸۳ آخوند یونسی وزیر اطلاعات رژیم ملایان با اشاره به مجاهدین گفت: «عناصری که گول خوردند، رفتند گرفتار اینها شدند، به شدت اینها مورد شکنجه واقع شدند ... من امروز به معاونم دستور دادم که این جنایتها را سریع به‌عرض مجامع بین‌المللی برسانند و ثبت بشود که معلوم بشود که چه جنایتهایی در عراق اینها مرتکب شدند...». بنظر می‌رسد تلاشهای اطلاعات آخوندی در رابطه با دیده بان حقوق بشر با موفقیت همراه بوده است.

۷. ادعای بدرفتاری با «اعضا ناراضی» سالهاست که توسط وزارت اطلاعات رژیم آخوندی برای مخدوش کردن چهره مجاهدین تکرار شده است. مجاهدین تماما از داوطلبانی تشکیل شده است که برای آزادی میهنشان مبارزه می‌کنند. مجاهدین در طول ۴ دهه حیات خود با اینکه ۱۲۰ هزار تن از افرادشان اعدام شده‌اند، هیچ کس را نه زندانی و نه شکنجه و نه اعدام کرده‌اند. مجاهدین حتی پاسدارانی را که به اسارتشان در آمده بودند، تماما زیر نظر صلیب سرخ بین‌المللی آزاد کردند و هیچیک از عوامل نفوذی دشمن را که بعضا چندین نفر از مجاهدین را به قتل رسانده بودند، مجازات نکرده و به ایران بازگرداندند.

۸. این اتهامات در حالی مطرح می‌شود که طی دو سال گذشته کلیه اعضا مجاهدین در قرارگاه اشرف در عراق هفت بار توسط آژانسهای مختلف آمریکایی مورد مصاحبه قرار گرفتند و به گفته آنها اسکرین شدند. مقامات آمریکایی متعاقبا اعلام کردند: «یک بررسی ۱۶ ماهه توسط آمریکا هیچ مبنایی برای متهم کردن اعضای گروه اپوزیسیون ایران در عراق به نقض قوانین آمریکا نیافتند». بنابراین در حالیکه چنین تحقیقات گسترده‌ای توسط آژانسهای مختلف آمریکایی در قرارگاه اشرف در مورد سابقه مجاهدین و تک تک اعضا آنها صورت گرفته است، طرح چنین اتهاماتی تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آنهم خدمت به دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران است.

۹. دیده‌بان حقوق بشر نه تنها در تهیه این گزارش از مجاهدین هیچ سؤالی ننموده بلکه لازم ندیده است صحت و یا سقم این اطلاعات را از مقامات آمریکایی که همه مجاهدین را مورد مصاحبه قرار داده‌اند سؤال کند. اگر هم سؤال کرده است، صلاح ندیده نظر آنها را منعکس کند. این در حالیست که عدد و رقم ساکنان اشرف را به‌نقل از اظهارات «یک منبع نظامی آمریکا به دیده بان حقوق بشر» نقل می‌کند. بنابراین دیده‌بان هیچ مشکلی

در دسترسی به مقامات آمریکایی نداشته است. اگر دیده‌بان حسن نیت داشت، چرا از همان منابع آمریکایی پیرامون آن زندانها و شکنجه‌گاهها و شکنجه‌گرانی که ۱۲ عضو وزارت اطلاعات مدعی آن شده‌اند، سؤال نکرد؟

۱۰. گزارش مدعی است اعضا اجازه خروج از سازمان را ندارند. خبرگزاری نایت ریدر در تاریخ ۱۹ مارس ۲۰۰۵، یعنی همان زمانی که این گزارش در دست تهیه بود نوشت: «ارتش آمریکا دعوی مبنی بر این که مجاهدین افراد را در اشرف علیه تمایلشان نگه می‌دارند را مورد تحقیق قرار داده ولی هیچ شواهد متقنی بدست نیاورده است. همانطور که یک مقام رسمی نظامی که خواست نامش فاش نشود گفت "آنها زندانی نیستند. آنها بلحاظ فیزیکی بطور مناسبی برای خروج آزاد هستند".

۱۱. گزارش اذعان می‌دارد که ۴ تن از افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، کریم حقی، طاهره اسکندری (خرم)، محمد رضا اسکندری و حبیب خرم در اوایل دهه ۹۰ از مجاهدین جدا شده‌اند. همه این افراد از اواسط دهه ۹۰ بصورت یک باند وزارت اطلاعات در هلند عمل می‌کنند. آنها در سالهای اول در کشورهای آسیای دور و ترکیه از سوی مقامات وزارت اطلاعات ملایان و سرذخیمانی مانند سعید امامی توجیه می‌شدند. اما در سالهای بعد با رفت‌وآمد مستقیم به تهران دستورالعملهای لازم را دریافت می‌کنند. کریم حقی در اطلاعیه‌های خودش اذعان داشته است که در سال ۲۰۰۰ بخاطر ارتباطات و دریافت پول از وزارت اطلاعات از سوی پلیس هلند مورد بازجویی قرار گرفته است. حبیب خرم نیز به خاطر دزدیدن یک کودک ۱۱ ساله از سرپرست قانونی اش در کانادا و فرستادن او به ایران، در دادگاههای هلند محکوم شده است. این اقدام جنایتکارانه به دستور وزارت اطلاعات و کمک سفیر رژیم ایران در هلند انجام شد.

۱۲. دیده‌بان یک بار در اوایل سال ۱۹۹۷ با کریم حقی و شمار دیگری از عوامل وزارت اطلاعات تحت نام عضو سابق مجاهدین حضورا و در شهر کلن آلمان مصاحبه کرد. اما بنظر می‌رسد آن روزگار مقتضیات سیاسی برای انتشار آن مصاحبه‌ها فراهم نبوده است. همین مزدور اولین بار به‌همراه شماری دیگر از عوامل وزارت اطلاعات در سال ۹۶ در ملاقات با پروفیسور کاپیتورن، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در امور حقوق بشر در مورد ایران تلاش کرد وی را به نوشتن گزارشی علیه مجاهدین ترغیب کنند که با شکست مواجه شدند.

بقیه در صفحه ۱۹

که این افراد بعد از سپری کردن آموزشهای ویژه در وزارت اطلاعات برای فعالیت علیه مقاومت به آلمان فرستاده شده‌اند. بعنوان مثال محمد حسین سبحانی یک مأمور شناخته شده وزارت اطلاعات ملایان است. او یک عامل نفوذی رژیم برای ضربه زدن به مجاهدین در عراق بود. وقتی مأموریتش برای اقدامات تروریستی علیه مجاهدین لو رفت به ایران بازگشت. وی در سال ۲۰۰۲ از سوی وزارت اطلاعات به خارج اعزام شد. در نشریه مجاهد شماره ۵۹۰ و ۵۹۲ به تفصیل پرونده و سوابقش افشا شده است. نشریه مجاهد شماره ۵۹۷ مورخ ۱۷ مرداد ۱۳۸۱ سند ارتباطات این فرد با وزارت اطلاعات را منتشر ساخت. طبق این سند، سبحانی در هتل لاله تهران، سر تیم یک گروه چند نفره از عوامل نفوذی وزارت اطلاعات بوده است.

۱۴. همه افرادی که مورد مصاحبه دیده بان حقوق بشر قرار گرفته، ساکن آلمان و یا هلند هستند. گزارش سرویسهای امنیتی آلمان و هلند در مورد عوامل وزارت اطلاعات بسیار روشنتر است. اداره حراست از قانون اساسی آلمان در آخرین گزارش سالانه خود که همزمان با گزارش دیده بان حقوق در ماه مه ۲۰۰۵ منتشر شده می‌نویسد: سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت هدف اصلی فعالیتهای وزارت اطلاعات ملایان می‌باشند. در این گزارش آمده است که: «برای جمع‌آوری اطلاعات و فعالیتهای جاسوسی، وزارت اطلاعات ایران، شبکه‌ای از عواملش را مورد استفاده قرار می‌دهد که از سازمان جدا شده‌اند. از این عوامل دعوت بعمل می‌آید که برای بریف شدن به ایران بروند». گزارش سال گذشته این اداره تصریح می‌کند که: «با اتکا به نفوذی‌هایش در این سازمان‌ها (شورا و مجاهدین) و محیط آنها، واکاوی می‌تواند اطلاعات در مورد فعالیتهای ضد رژیمی آنها و ساختار و رهبری آنها جمع‌آوری کند». گزارش سال ۲۰۰۲ همین اداره می‌نویسد: «وزارت اطلاعات با استخدام اعضای فعال یا سابق این سازمانها (مجاهدین و شورای ملی مقاومت) بدنبال بدست آوردن اطلاعات در مورد فعالیتهای ضد رژیم، ساختار و کادر رهبری این سازمانهاست. علاوه بر این وزارت اطلاعات تلاش می‌کند موضع این سازمانها را از طرق مختلف و منجمله با تمرکز بر تبلیغات سوء تضعیف کند».

۱۵. سرویس امنیت هلند (BVD) در گزارش سال ۲۰۰۱ خود خاطر نشان کرد: «هواداران گروه اصلی اپوزیسیون، سازمان مجاهدین خلق ایران، هدف اصلی سرویس اطلاعاتی رژیم ایران هستند. وزارت اطلاعات تلاش می‌کند تا آنجایی که ممکن است از طریق اعضای سابق از این سازمان اطلاعات جمع کند. مأموران وزارت اطلاعات دستور دارند با پخش اطلاعات دروغ علیه مجاهدین آنها را تضعیف و بی‌اعتبار کنند. وزارت اطلاعات تلاش می‌کند مجاهدین را در کشورهایی که در آن حضور دارند شیطانی جلوه دهد». در گزارش سال ۱۹۹۹ همین سرویس نیز آمده بود: «یک وظیفه مهم سازمانهای اطلاعاتی ایران ردیابی و کنترل اعضای اپوزیسیون در خارج بویژه هواداران کنونی و قبلی مجاهدین خلق است».

۱۶. دعوی تکراری دیده بان حقوق بشر در مورد نقض حقوق بشر توسط مجاهدین، بارها در نشریات و انتشارات مجاهدین و شورای ملی مقاومت به زبانهای فارسی و انگلیسی و فرانسه پاسخ داده شده است. علاوه بر انبوه نشریات و کتب فارسی، مقاومت ایران دهها کتاب و مقاله به زبان انگلیسی در این زمینه منتشر کرده است که تماما در دسترس دیده بان می‌باشد. در این میان می‌توان به کتابهای دکرسی خیانت شده (۱۹۹۵)، میراث یک سیاست شوم (۱۹۹۷)، دشمنان آیت الله‌ها (۲۰۰۴)، مجاهدین خلق مقاومت علیه آیت الله‌ها (۲۰۰۴) به زبانهای انگلیسی و فرانسه اشاره کرد. اما اینکه چرا گزارش دیده بان به هیچیک از این موضوعات نپرداخته، بیان‌کننده وظیفه مبرم سیاسی کارچرخانان دیده بان در حفظ فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران است.

کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران
۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ (۱۹ مه ۲۰۰۵)

باید از حق تشکل یابی

همه جانبه دفاع کرد

بقیه از صفحه ۱۰

یک فعال کارگری را دفاع از کیان شورای اسلامی کار می‌داند. خانه کارگر چماقداران نیز با انتشار بیانیه‌ای فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد را کمونیست، وابسته به رژیم سابق و ساواکی قلمداد کرده و اقرار می‌کند که از دوسال پیش تا کنون آنان به فکر ایجاد سندیکا بوده‌اند. خانه کارگر در دفاع از او با چماقدار عمل آنان را تخریب ساختن تصرفی از جانب گروه هیئت موسس سندیکا و پاداش شعار تحریم انتخابات در روز کارگر می‌نامد.

حق تشکل یابی از حقوق اولیه کارگران است و آنان در این راه از هیچ قانون و چماقداری که حکم بازدارنده را داشته باشد تبیعت نخواهند کرد. کارگران برای دست یابی به حقوق صنفی خود نیاز به تشکل‌های مستقل دارند. و برای برپایی آن فقط منافع طبقاتی خود را مد نظر خواهند داشت. بنابر این حسین صادقی، علیرضا محبوب و دارودسته او با شکر آنان هیچ ارتباطی با کارگران نداشته و ندارند و فقط عوامل چماقدار حکومت اند که برای سرکوب کارگران سازماندهی شده‌اند. کارگران باید در مقابل یورش عوامل حکومتی و سرمایه داران با همبستگی مقاومت کرده و در صورت لزوم گوشمالی مناسبی به آنان برای بی شرمی شان بدهند. برای دفاع از تشکل‌های مستقل باید از این حق همه جانبه دفاع کرد. در این صورت است که موانع پیش پای تشکل یابی یکی یکی از جلو پای کارگران برداشته خواهد شد.

اطلاعیه کمیسیون خارجه شورای

ملی مقاومت ایران

در باره گزارش دیدبان

حقوق بشر

بقیه از صفحه ۱۷

۱۳- گزارش مدعی است هشت تن دیگر که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ عراق را ترک کرده‌اند ولی در مورد این واقعیت سکوت می‌کند که همه این افراد از ایران به خارج کشور آمده‌اند. هفت نفر آنها بطور مشابهی مدعی هستند در زندانهای مجاهدین در عراق بوده‌اند، توسط مجاهدین به زندانهای عراق تحویل داده شده‌اند و دولت عراق آنها را به اطلاعات رژیم آخوندی تحویل داده و زندانی شده‌اند. سپس آنها موقوف شده‌اند از زندان گریخته و خود را به خارج برسانند. براسی در طول ربع قرن مگر چند نفر توانستند از زندانهای قرون وسطایی آخوندها فرار کنند؟ که حالا یکی پس از دیگری فرار می‌کنند. سه نفر دیگر هم با سناریوهای کم و بیش مشابهی مدعی هستند که از دست مجاهدین گریخته بداخل ایران رفته و از آنجا به خارج آمده‌اند. حقیقت اینست

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر بویه

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان‌کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می‌دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی‌کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می‌شود، بیان‌کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان‌کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا و سوئد ۳۶ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین‌المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس نبرد در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E:mail:nabard@iran-nabard.com

چنگ خبر

اخبار روزانه را در چنگ بخوانید

www.jonge-khabar.com

سوموایا در تهران با چه کسانی مذاکره

می‌کند؟

بقیه از صفحه ۷

حل نشان دادن آن در ایران و تایید این وضعیت رقت‌بار.

همزمان با حضور سوموایا در ایران، یکی از کارگران ایران خودرو به دلیل نا امنی فضای کار و سقوط بدنه اتومبیل، در حال مونتاژ جان خود را از دست داده است و کارگران آب و فاضلاب خرمشهر در اعتصاب به سر می‌برند، کارگران شرکت "جهان وحدت جنوب" ۵ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند و کارگران شرکت "پوشینه بافت" قزوین، به دلیل عدم دریافت ۲ ماه حقوق و دستمزد، دست به اعتراض زده‌اند.

خوان سوموایا و سازمان بیت‌المللی کار که طرف مذاکرات خود را حکومت ضد انسانی و تشکلهای دست ساز آنان می‌داند، هیچ معجزه‌ای به نفع کارگران ایرانی صورت نخواهد داد. این خود کارگران هستند که باید با همبستگی و تلاش، تشکلهای خاص خود را سازمان دهند و سازمان بین‌المللی کار و دولتهای تحت حمایت آنها را وادار به پذیرش حضور خود نمایند.

NABARD - E - KHALGH

No : 239 22.Mai. 2005 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postfach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

روز جهانی کارگر، دست رد کارگران بر سینه رفسنجانی رانت خوار

لیلا جدیدی
در ایران و تحت حاکمیت رژیم ولایت فقیه، امسال کارگران این روز را به روز اعتراض علیه سیاستهای ضد کارگری، تشکلهای فرمایشی و کارگزاران مزدور رژیم تبدیل کردند.

رژیم ملاها با پایمالی حقوق کارگران، وجهی دیگر از نقض حقوق بشر را به نمایش گذاشته و با محروم نمودن آنان از امنیت شغلی، حق داشتن کار، بیمه های اجتماعی و ... کرامت انسانی آنان را خدشه دار کرده است هم از این روست که کارگران با شعار و پلاکاردهایی نظیر "این برده داری است"، در این روز به صحنه آمدند.

رژیم تا آنجا که می توانست بر سر راه کارگران، برای برگزاری آزادانه مراسم روز کارگر، مانع ایجاد کرد؛ از عدم صدور مجوز راهپیمایی گرفته تا تلاش برای منحرف کردن اعتراضات آنها و گسیل نیروهای سرکوب گر و غیره. با این حال، کارگران که دست ملاها برایشان مدتهاست رو شده، به اعتراض خود ادامه داده و مزدوران و نمایندگان فرمایشی کارگران را رسوا کردند. زدن مشت محکم رد به سینه رفسنجانی، از جمله حرکات اعتراضی کارگران بود که تنها دلیل جشن گرفتن در این روز را به کارگران می دهد. کارگرانی که در "پنجمین کنگره کارگران" شرکت کرده بودند، با سردادن فریاد اعتراض و ترک محل، نفرت خود را نسبت به حضور مهمان ناخوانده و برنامه های بی ربط نشان دادند.

در حالی که درصد بالایی از ابزار تولید در دست حکومت ملاها قرار دارد و عوامل آن صاحبان آن را تشکیل می دهند، حکومتیها خود به بزرگترین سرمایه دار و کارفرما تبدیل گشته اند. بدیهی است که آنان هرگز حاضر نخواهند شد ذره ای از منافع خود به نفع کارگران چشم پوشی کنند.

این حکومت استبدادی و ضد حقوق بشری باید سرنگون شود و بنایی نو پی افکنده شود تا کارگران بتوانند به حقوق خویش دست یابند. مبارزات و اعتراضات کارگران در سالی که در پیش رو است باید با اعتراضات و مبارزات دیگر اقشار محروم و زحمتکش جامعه، پیوند بیشتری خورده و مستقل از تشکلهای حکومتی به پیش برده شود. ۱۲ اردیبهشت ۸۴

انفجار از این نوعش همیشه در کمین است

زینت میرهاشمی

یوسف عزیزی بنی طرف، عضو کانون نویسندگان و نویسنده ایرانی عرب، روز دوشنبه در خانه اش توسط ماموران رژیم دستگیر شد. وی در جریان شورشهای اخیر خوزستان مصاحبه ای با رادیو فردا داشت. وی در مصاحبه اش ریشه های تشنه های اخیر در خوزستان را به ستم ملی مربوط دانسته و گفته بود که «عاملان گفتمان عرب ستیز و شدیداً ناسیونالیست در میان مقامات حضور دارند.» وی نیز در رابطه با فقر مردم این منطقه در همین مصاحبه اش گفت که: «۸۰ درصد کودکان دشت آزادگان که بر دریای نفت زندگی می کنند از سوء تغذیه رنج می برند».

نیازی رئیس سازمان بازرسی جمهوری اسلامی روز دوشنبه در رابطه با شورش مردم خوزستان، در همنوایی با دیگر پایوران رژیم، توطئه را بر شورش ضد حکومتی چسباند. از دیدگاه پایوران نظام، هر حرکتی که در مخالفت با این رژیم صورت گیرد، بوی توطئه می دهد. نیازی این توطئه را در رابطه با ۲۷ خرداد، روز انتخابات آخوندها دانسته است. وی در ادامه تحلیلهای توطئه گرانه اش می گوید: «این آخرین مسأله نیست.» وی و شریکانش در قدرت که با سرکوب و ستم برای حفظ نظامشان تلاش می کنند، این امر را خوب فهمیده اند که این «آخرین نیست.» مطمئناً تا روزی که این رژیم سرکوبگر بر سر کار است، حوادثی مانند قیام اهواز اتفاق خواهد افتاد. این نوع شورشها دقیقاً به ستمی که بر آنها اعمال می شود ارتباط مستقیم دارد. احتیاج نیست که کارگزاران و محققان رژیم، دنبال توطئه و کسی که این شورش را ایجاد کرده است بگردند. عامل اصلی آن خود جمهوری اسلامی است که توطئه گر اصلی علیه منافع مردم ایران است. ۶ اردیبهشت ۸۴

شاهرودی از جنایات قوه تحت امرش آگاه شده است

جعفر پویه

آخوند هاشمی شاهرودی، تیولدار قوه قضاییه نظام ولایت فقیه، روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت طی یک سخنرانی به انتقاد از زیر مجموعه خود پرداخت و سپس با صدور بخشنامه ای، این انتقادات را به طور کتبی به دست اندرکاران بی عدالتخانه خود ابلاغ کرد. او که انگار خوابنا شده و یا به تازگی از اخبار جنایات قوه قضاییه باخبر شده، آنان را از ادامه شیوه جاری منع کرده و به ظاهر خود را مخالف رویه آنها جا می زند.

قوه قضاییه که در زمان تصدی شاهرودی به "قوه قضاییه" ملقب شده، آنچنان سبوعیتی در انجام وظایف محوله از خود نشان می دهد که به گفته رییس اش، از جنایتکاران زندان ابوغریب نیز گوی سبقت را ربوده است. اما آیا در گفته های شاهرودی رگه هایی هرچند کوچک از صداقت وجود دارد؟ نگاهی کوتاه به اعمالی که ضابطین قضایی، یعنی وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و ... در سالهای اخیر انجام داده اند، گواه این است که شاهرودی از همه آنان آگاه بوده و عملن با انجام آنها موافق بوده است. چگونه می شود اداره اماکن نیروی انتظامی شاعران و نویسندگان و فعالان مطبوعاتی را به زیر زمینی بکشاند و با تهدید و ارباب آنان را وادار به سکوت و یا اعمال خلاف میل خودشان نماید و رییس قوه قضاییه از آن بی خبر باشد؟ و این در

شهادای فدایی خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوری - امیرپرویز پویان - نادر شایگان شام اسبی - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیرو نذیری - بهروز دهقانی - حسن مصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - حبیب برادران خسروشاهی - مریم شاهی - خسرو تره گل - حسین سلاخی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بناب - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت با شعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - اسماعیل هادیان - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (در هند) - محمدرضا محمدیان باباعلی (کاک رشید) - حمید امیر میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر ویسی - جعفر قنبرنژاد - مهنوش آذریون - شاپور جلیلی - جواد باقری، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و با در زندانیهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

حالی است که اخبار این اعمال ضد انسانی، در سراسر دنیا پخش شده است. چگونه می شود روز روشن، دانشجویان و فعالان دانشجویی را آنچنان به باد کتک گرفت که چشمشان از حدقه در آید و در یک دادگاه نمایشی مجریان چنین اعمالی تبرئه شوند و هاشمی شاهرودی در جریان تبرئه آیا می شود کودکی را پس از تجاوز، در ملاء عام اعدام کرد و رییس قوه قضاییه آنرا نشنود؟ می شود هر چهار راه را به محل شلاق زدن و اعدام تبدیل کرد و می شود کسانی که میلیاردها تومان از اموال عمومی اختلاس کرده اند را تبرئه کرد و... رییس قوه قضاییه از آن آگاه نباشد؟ پس چگونه است که شاهرودی به تازه گی از خواب خرگوشی بیدار شده و دستورالعملی برای رعایت کرامت انسانی در زباله دانی تحت امرش صادر می کند؟ او در بند یک بخشنامه صادره کلیه امور بازجویی و تحقیقات را وظایف دادستان اعلام می کند، با این حساب واگذار کردن امر بازجویی و شکنجه به دادستان و باز گذاشتن دست او برای انجام آن، توجیه کننده قتل خانم زیبا کاظمی در زیر شکنجه توسط دادستان تهران سعید مرتضوی است. که با اینکار شاهرودی گرگ را چوپان می کند. بالا گرفتن دامنه اعتراضات مردم و ترس از تحریم انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، هاشمی شاهرودی را وادار به یک چنین مانوری کرده است. ۱۶ اردیبهشت ۸۴